

# [Afghanistan Digital Library](#)

adl1169

<http://hdl.handle.net/2333.1/w9ghx44g>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

بمناسبت احتفال چھ صد و پنجاہمین سال  
ولادت مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی ہروی

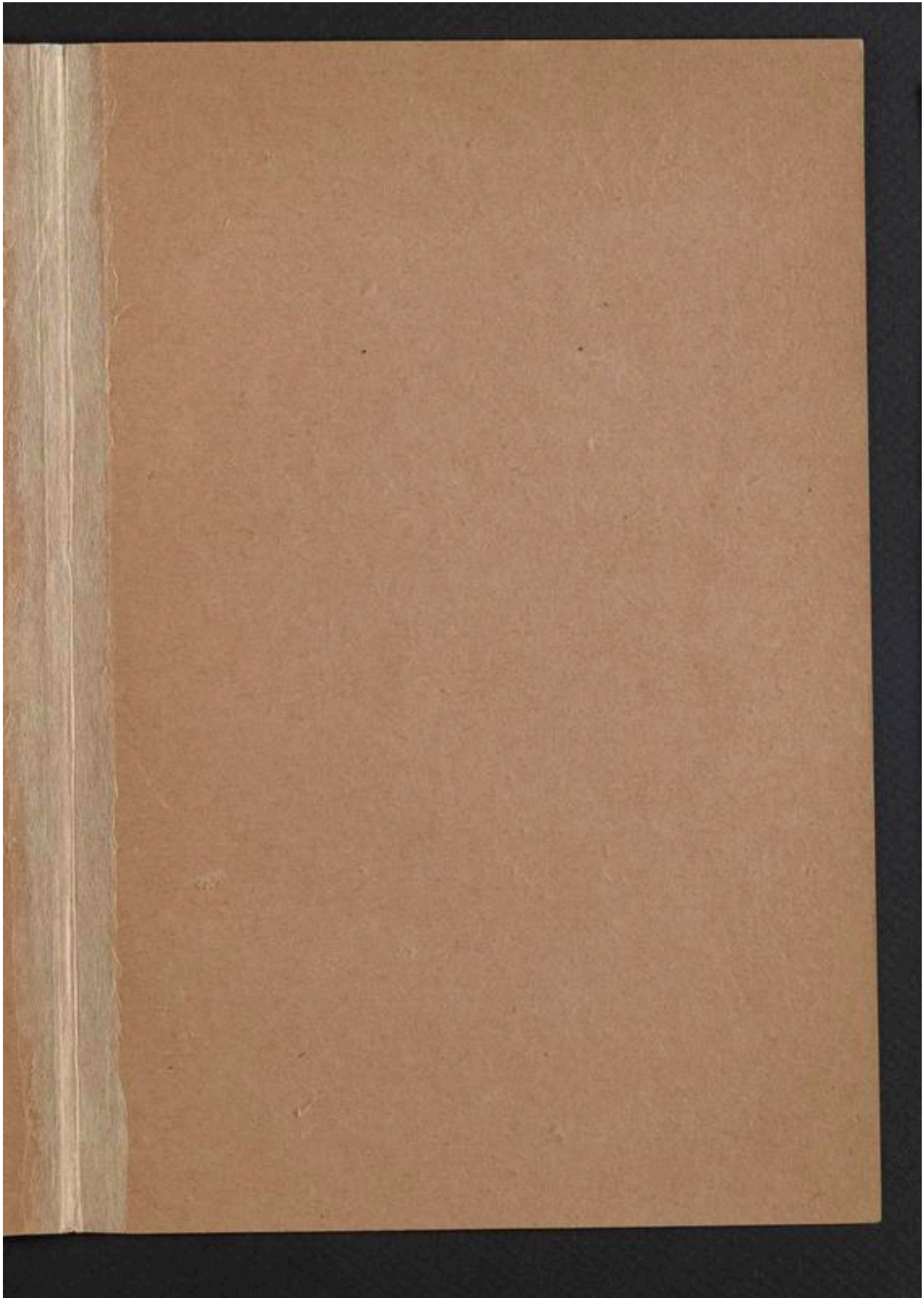
# آبداتِ نصیہ ہرات

تالیف

سرور گویا اعتمادی

ارنشرات انجمن جامی  
ریاست تنویر انکار وزارت مطبوعات

عقرب ۱۳۴۳



بمناسبت احتفال پچصد و پنجاہمین سال  
ولادت مولینا نور الدین عبدالرحمن جامی ہروی

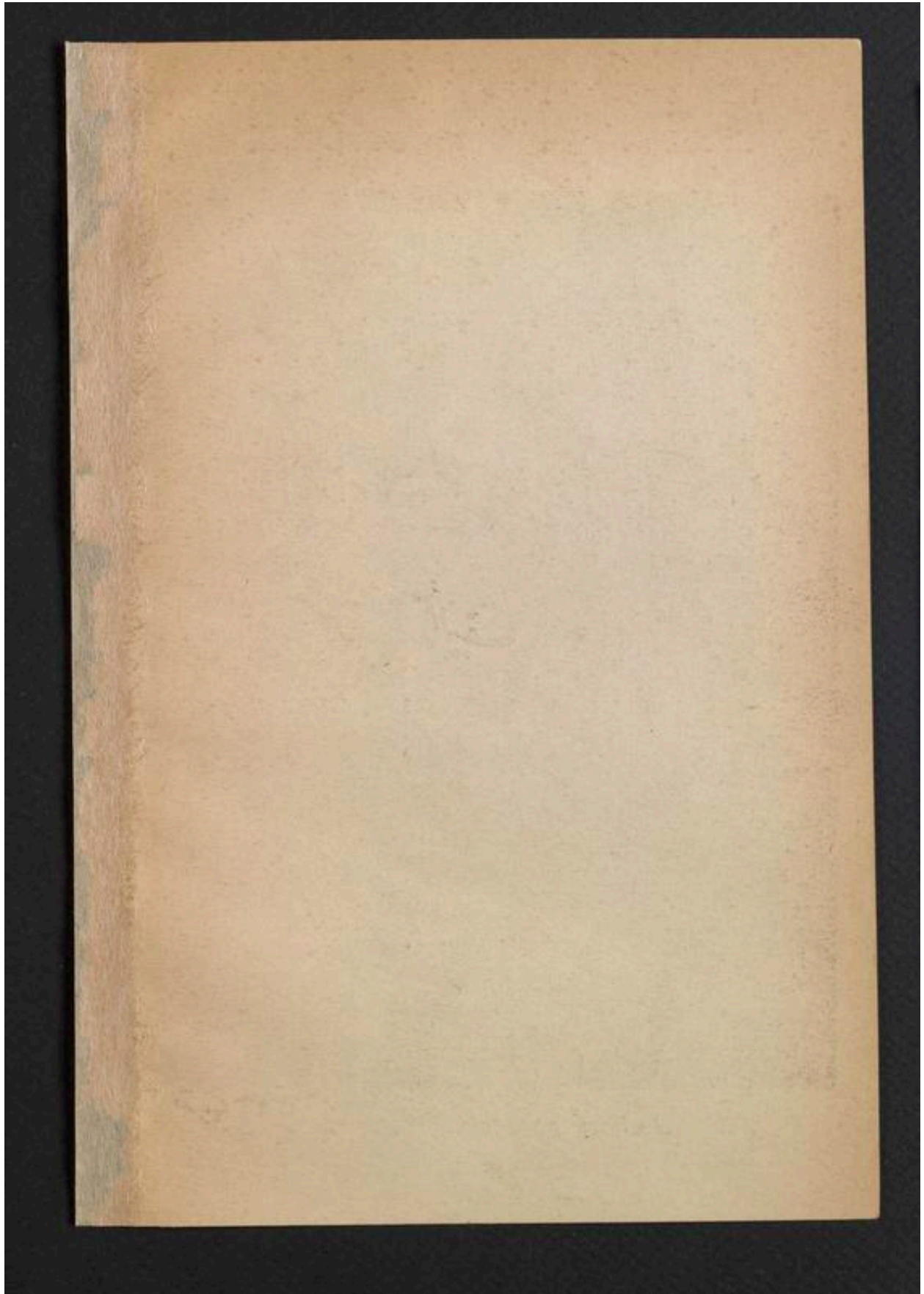
# آبداتِ نفیسه ہرات

تالیف

سرور گويا اعتمادي

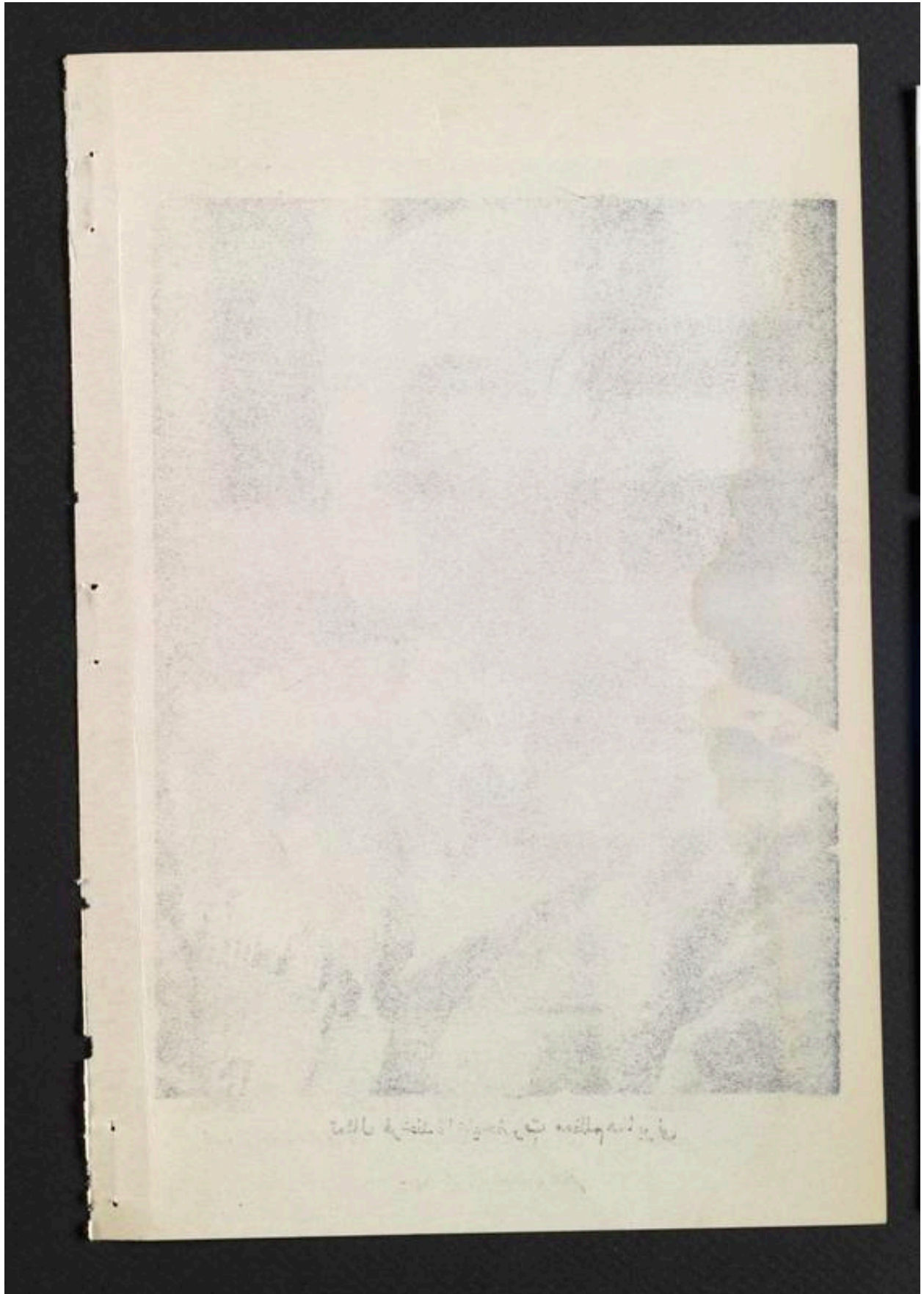
ارنشرات انجمن جامی  
ریاست تنویر افکار وزارت مطبوعات

عقرب ۱۳۴۳





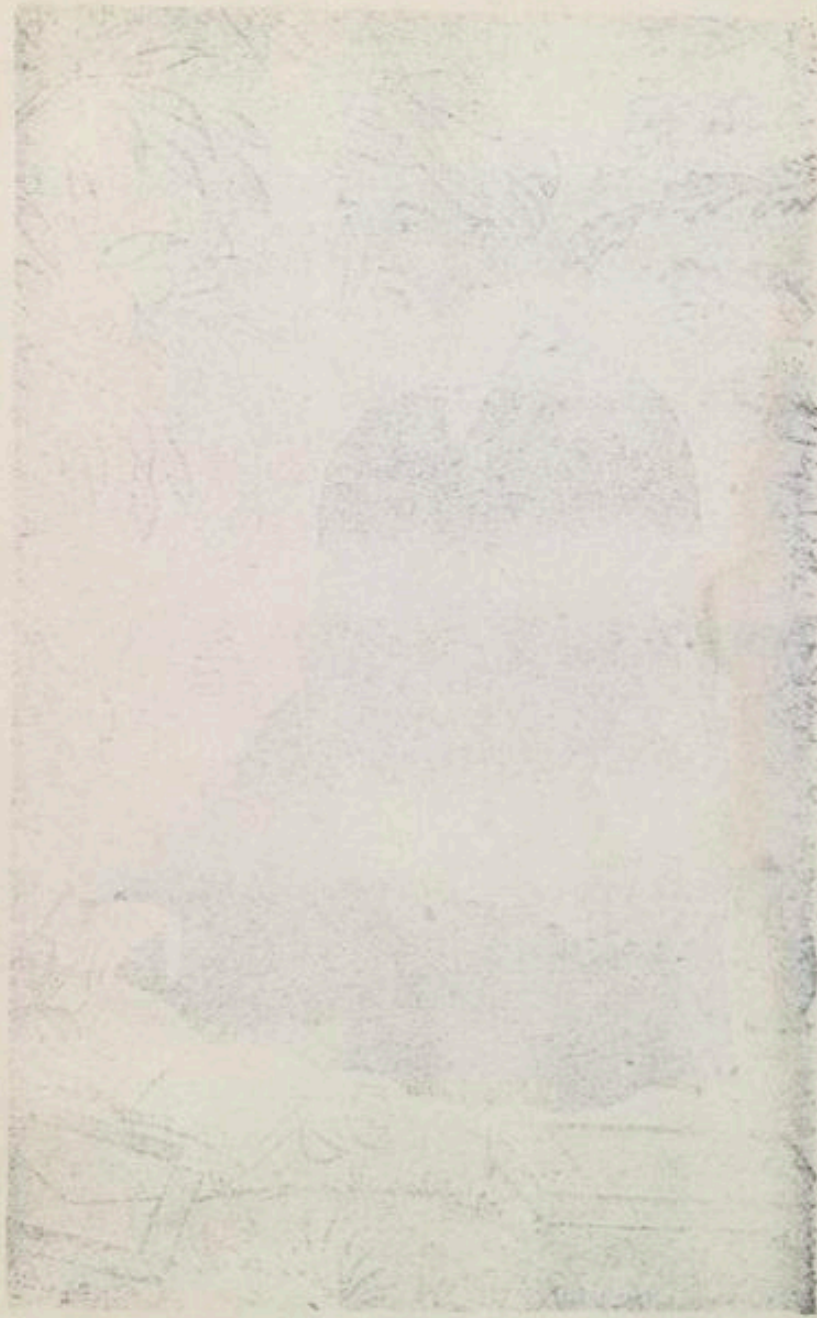
تمثال فرخنده اعلیٰ حضرت معظمہ ہمایونی



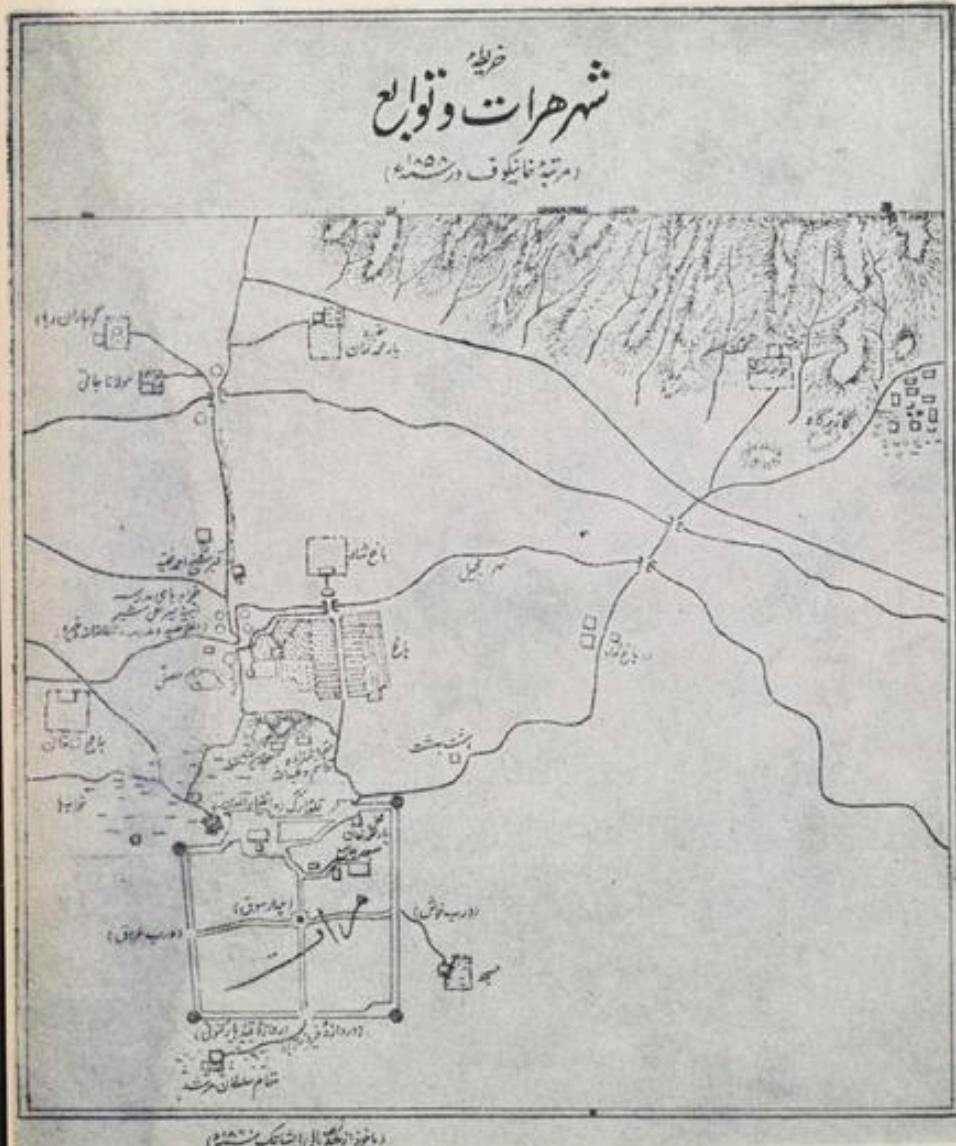


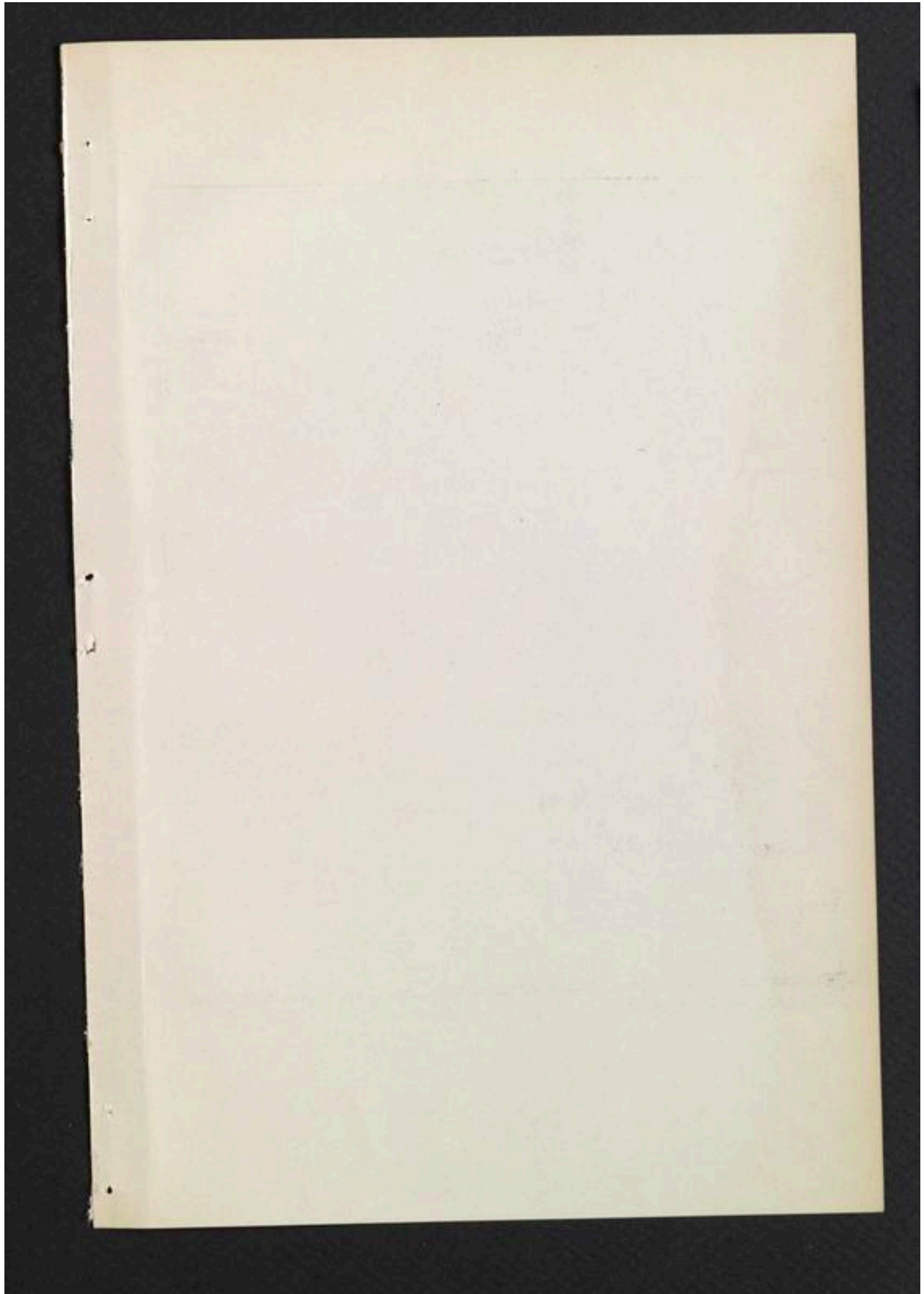
تصویر حضرت مولانا عبدالرحمن کہ از روی عمل استاد بہزاد دولت  
جہانگیری کپیہ نمودہ





شایسته انجمن تدارک امور معلولین و ناتوانان است  
در بهمن ماه ۱۳۰۲





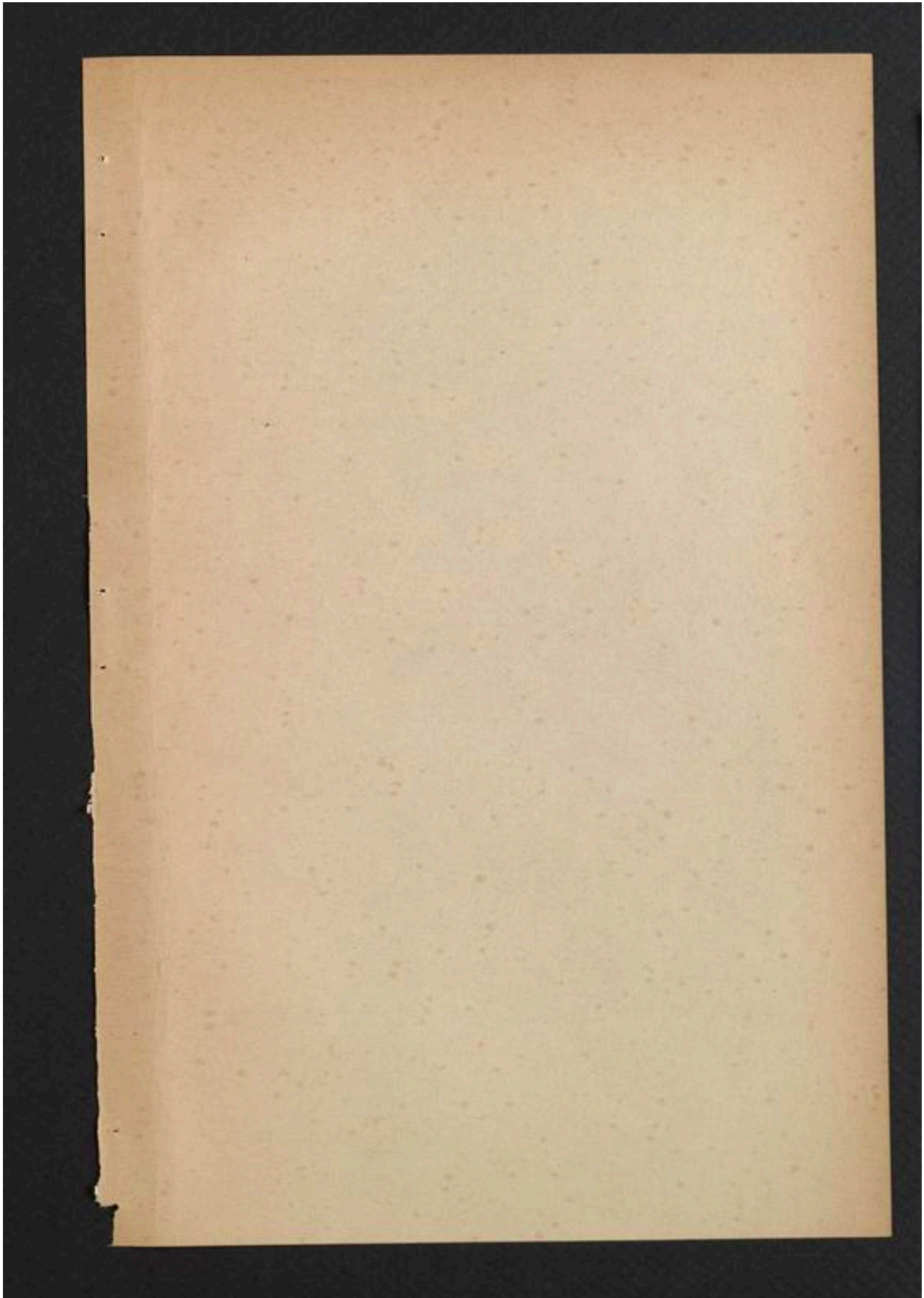
## مقدمه ای بر آبدات نفیسه هرات

تالیف و تتبع فاضل محترم استاد گویا، اعتمادی که چندی قبل از طرف انجمن تاریخ چاپ و نشر یافت چند آنکه خود مولف اظهار میدارند مطالب را ترجمه نموده و برخی تعلیقات و حواشی و تذکرات آن مطالبیکه در تاریخ هنری و ثقافی هرات ارتباط مستقیم داشته است بر آن افزوده اند.

نسخه های چاپی این رساله بکلی کمیاب شد و قلمندان این رساله اصرار چاپ آنرا داشتند، انجمن جامی مناسب آن دانست تا از دو لحاظ این کتاب چاپ مجدد شود و در صرف دیگر کتبی که بمناسبت پنجصد و پنجاهمین سالگرد مولینا نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷ - ۸۹۸) چاپ و نشر میشود قرار گیرد.

۱- آبدات نفیسه هرات بخصوص تعمیر و ترمیم و کاشی کاری مسجد جامع هرات که در عصر جامی بهمت و کوشش امیر علیشیر نوائی مربی و مشوق بزرگ جامی هروی صورت گرفته است و در این رساله شرح و بسط یافته.

۲- توضیح و تاریخ گنبد سبز که به نزدیکان سلطان حسین بایقرا ربط و پیوند دارد و در عصر جامی رنگ هنر گرفته است. امید است به نشر این رساله ورق دیگری بر کتاب تاریخ هنری هرات باستان افزوده شود. «مایل هروی»



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## نقشه آثار هرات

اخیر آدر شماره ماه می ۱۹۴۷ اورینتل کالج مگزین منتشره پنجاب  
یونیورسٹی لاہور مقالہ بنا م/نقشه آثار هرات بايك نقشه آثار هرات مرتبه  
خانیکوف/خاورشناس روسی بترجمه و اضافات دوست فاضل و دانشمند  
محترم جناب پروفیسور محمد شفیع خان سابق پرنسپل اورینتل کالج نشر  
شده و اینک با اضافات و تعلیقات چندی از طرف نگارنده بمطالعه علاقه  
مندان به آثار و آبدات نفیسه تاریخی تقدیم میشود جناب پروفیسور  
محمد شفیع از محققین ارجمند و دانشمندان عالی مقام خطه پنجاب اند یعنی  
همان خطه که بقول غنیمت :

بخوبی هاز کنعان میبرد دست برین دعوی که دارم شاهی هست  
مسقطا لراس ایشان شهر قصور است و در آن شهر تاریخی بتاریخ ۶  
اگست ۱۸۸۳ ع بدنی آمده اند از زمان صبا الی شباب و از شباب الی شیب

audition  
naunipal  
intentional, natural

باشوق غریزی وسوق طبیعی بی عدیل/خوبش به تمیم فضایل و تکمیل  
علوم و آداب ادامه داده و امروز با احاطه و تبخری که در علوم و آداب  
اسلامی دارندیکی از اساتید و ارکان بشمارند علاوه برین فضایل و مزایا  
خدمات بی وقفه و تظاهر بمعنویات جامعه و تعلیم و تربیه فرزندان و  
شاگردان و بی آزاری نسبت بهر چیز و هر کس و صفای قلب و ضمیر نسبت  
به هموعان صفوت و خلوص بادوستان و یاران امداد و کمک به نیازمندان  
و محتاجان از صفات بارزه و مکاکرم مشخصه ایشان است در دوران  
زندگانی علمی خود مقالات و رسالات و کتب بسیار قیمت دار و سودمند که  
از ذخایر ملی ماست راجع به مفاخر و ماثروطن عزیز ما نوشته و طبع کرده  
اند که بعضی از آنان قرار ذیل اند:

(۱) مطلع السعدین در دو جلد با مقدمه و حواشی استادانه و فرهنگ  
لغات طبع لاهور.

- (۲) افغانان قصور شماره اگست اورینتل کالج میگزین ۱۹۲۸
- (۳) دربار سلطان حسین میرزا اوسر پرستی علم و هنر شماره زمی ۱۹۳۴
- (۴) خط و خطاطان (اکثر آن از هرات است) شماره  
اگست ۱۹۳۴-۱۹۳۵

- (۵) سفرنامه چین از زبده التواریخ حافظ ابرو. شماره نو مبر ۱۹۲۰
- (۶) آداب الحرب والشجاعة (حکایات متعلق بخانواده غزنویه)  
شماره نو مبر ۱۹۳۷

اکثر این مقالات و رسالات دردوره های مجله کابل از طرف نگانده  
ترجمه و طبع شده اخیراً مقاله را که بنام نقشه آثار هرات ترجمه و با

اضافات سودمند در اورینتل کالج میگزین طبع نموده اند بفارسی ترجمه  
و با تعایقات چند و ضمیمه دو مقاله به عنوان مسجد جامع و گنبد سبز بمطالعه  
خوانندگان میرسد در خاتمه از طرف عموم علاقه مندان علم و ادب و  
اعضای انجمن تاریخ افغانستان نسبت به خدمات ارجمند و قابل تقدیر و  
تمجید حضرت پروفیسور در راه علم و دانش و مساعی موفوره شان  
اظهار تشکر و امتنان می نمایم و توفیق بیشتری را از خداوند کبریم  
بر ایشان التجا میکنم.

شب مردان خدای روز جهان افروراست

روشان را بحقیقت شب ظلمانی نیست

سرور گویا اعتمادی

يك نقشه آثار هرات را با اطراف و نواحی آن خانیکوف خاورشناس  
فاضل روسی در سنه <sup>۱۸۵۸</sup> ۱۸۵۸ ع مرتب نموده و در ۱۸۶۰ در ژورنال ایشیا تک  
شایع شده است غرض از نقل و انتشار این نقشه بحروف فارسی کمک و امداد  
یست بتاریخ هرات و آن هم بهترین دوره آن یعنی زمان سلطان شاه رخ و سلطان  
حسین با یقرا . راجع به هرات تاریخهای متعددی (شاید اقل ۱۲-۱۳)  
کتاب نوشته شده که از آن جمله روضات الجنات فی اوصاف مدینه الهرات  
است با آنکه این کتاب تا کنون (۱) شایع نشده ولی در هر جا شهرت بسیار دارد  
در آغاز این کتاب مصنف آن (معین الدین الزمچی الاسفزاری) تاریخ  
های قدیم هرات را چنین ذکر کرده است :

سلف در باب این بلده خلد آئین کتب ساخته اند و از کیفیت قضا یا

۱۰ خلاصه این کتاب در ژورنال ایشیا تک بزبان فرانسوی در ۱۸۶۰ ع شایع شده است .



ووقایع تالیفات مشتمل بر ذکر هرگونه عجایب و بدایع پرداخته مثل  
امام ابواسحق احمد بن یاسین وثقة الدین شیخ عبدالرحمن فامی که  
تاریخ قدیم هرات را نوشته و ربیع فوشنجی که کرت نامه نظم کرده  
وسیفی هروی که احوال بعضی از ملوک کرت در قلم آورده. «نسخه  
کتابخانه دانشگاه پنجاب» علامه سخاوی در الاعلان بالتو بیخ  
ص ۱۳۳ نیز تاریخ های هرات را ذکر نموده مگر عبارت نسخه مطبوعه  
ناقص و ممسوخ معلوم میشود با این هم استادنا مبرده میگوید که یک  
تاریخ هرات را شیرویه نوشته است و دیگر را ابونصر فامی و ضیاء  
مقدسی از کتاب فامی اختصار کرده است ابواسحق احمد بن یاسین  
الهروی الحداد نیز دو تاریخ نسبت هرات نوشته است: «احدهما علی  
المعجم والاخر لابی عبد الله الحسن بن محمد الکتبی اظن» عبارت  
بالناقص است و تنها این قدر معلوم می شود که الحداد یک تاریخ به  
ترتیب حروف تهجی داشته است و از خصوصیت تاریخ دیگر آن چیزی  
معلوم نمی شود و هم بطور صحیح مکشوف نمیگردد که الکتبی مصنف  
تاریخ جداگانه هرات است یا کسی دیگر است. در کشف الظنون طبع  
استانبول ج ۱ ص ۲۳۵ از هفت تاریخ هرات ذکر گردیده بدین قرار:  
تاریخ ابواسحق احمد بن محمد بن یوسف البزاز الحافظ تاریخ احمد  
بن محمد بن سعید الحداد، تاریخ ابی روح عیسی الهروی متوفی  
۵۴۴ تاریخ ابونصر عبدالرحمن بن عبدالجبار القیسی الحافظ، تاریخ

ثقة الدين عبدالرحمن الفامی (۱)

«وهو اول من صنف فيه» تاریخ نورالدين عبدالرحمن الجامی متوفی ۸۹۸  
وروضات الجنات معین الدین الزمخجی تألیف ۸۹۸. الفامی متوفی ۵۴۶  
که اول من صنف فيه نوشته است چطور نخستین مصنف تاریخ هرات شده  
میتواند درحالیکه حداد متوفی ۳۴۳ قبل ازوی تاریخ هرات را تصنیف  
کرده است از کتاب هاییکه دربالا ذکر یافته اکثر آن مفقود و ناپیدا است  
از آن جمله تاریخ نامه هرات سیفی هروی است ( یعنی سیف بن محمد  
بن یعقوب ) که در قرن هشتم تألیف شده و بعد از تصحیح دوست  
فاضل پروفیسر محمد زبیر صدیقی از طرف کتابخانه  
شاهی کلکنه در اواخره ۱۹۴ ع شایع گردیده و در سرورق  
آن سهواً قرن هفتم طبع شده جای افسوس است که دوست فاضل  
در موقع مقابله متن سوای نسخه کتابخانه بوهارد دیگر نسخه در دست  
نداشته چنانچه در حاشیه دیباچه کتاب کوشش های ناکامانه خود را  
برای بدست آوردن نسخه دیگر ازین کتاب و مخصوصاً نسخه کتابخانه  
کابل نوشته است آقای سرورخان گویا اعتمادی او اواخر مارچ ۱۹۴۷  
بغرض شمولیت در انترایشین کنفرانس منعقدة دهلی از کابل بسوی

---

(۱) در کتاب انساب سعمانی ورق ۴۱۸ چنین است : ابو نصر عبدالرحمن بن  
عبدالجببار بن عثمان الحافظ الفامی من اهل الهرات وکان من اهل العلم والفلسف  
الحديث الكثير و نسخه بخط وحصل الاصول ، سمع عبدالله بن محمد الانصاري و ابا عبدالله  
العميري و نجيب بن ميمون الواسطي وغيرهم وسعت منه الكثير بهرات و فوشنج  
و کانت ولادته

هند آمدند و همین نسخه کابل را با خود آورده بودند این نسخه در وقت نگارش این سطور نزد من است تقطیع این نسخه ۱۰ + ۶ و نیم انچ است و دارای ۱۹۹ ورق و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده و ختم این نسخه به این عبارت است (مشوسوی تندی و کین آوری) یعنی به کتاب مطبوعه تا صفحه ۵۸۷ سطر ۱۱ مساوی است به چند صفحه این نسخه آب رسیده و بعضی جاها سیاهی آن خراب شده مگر نسخه بسیار خوب و قدیم معلوم میشود از مقابله سرسری با چند صفحه مطبوعه معلوم شد که در بسیار جاها این نسخه قلمی مواد زیاد تر دارد.

فاضل موصوف (گویا اعتمادی) خوب حدس زده است که حافظ آبرو از سینی مواد کتاب خود را بی تکلیف نقل کرده است شاید به ایشان معلوم نباشد که در استانبول نسخه بنام «تاریخ و نسب ملوک کورت بالاجمال» از حافظ آبرو موجود است و برای معلوم کردن نقل و مقابله به آن شاید مفید ثابت شود نسخه نفیس استانبول در مجموعه حافظ آبرو شامل است که در عهد سلطان شاه رخ بهادر خان نوشته شده رجوع شود به نوشته هو فیلکس تاور راجع به کتابخانه ها و مخطوطات تاریخی استانبول در آرکیو آورینتالینی شماره اپریل ۱۹۳۱ ع ج ۳ نمبر ۱ پراگ ص ۹۸.

از کتاب های که در فوق ذکر شده برخی از آن در دست است که از مطالعه آن مواضع و آثار گرد و نواح هرات بخوبی معلوم میشود خصوصاً اسفزاری که بسیاری از مقامات و امکانه تاریخی هرات را به تفصیل نوشته است پیش از اسفزاری عبدالرزاق سمرقندی در حالات

هرات رساله نوشته است چنانچه در مطلع السعدین جلد ۲ ص ۱۹۰  
مرقوم نموده «شرح بناء دار السلطنة هرات واحوال بلوکات وحالات  
ولایات قلم دوزبان بشرح و بیان تقریر نموده و تحریر فرموده هر  
کرامیل مطالعه آن باشد گورسالة علیحده در آن باب مسطور است  
بنظر اشرف مشرف سازد» این رساله از نظر ها ناپدید است ولی مصنف  
مطلع السعدین، از آن عمارات و آثار ذکر کرده و تفصیل داده که از  
عهد شاه رخ و جانشینان وی تا سنه ۸۷۴ پابرجا بوده است. بعد از مطلع  
وروضات درخاتمه روضه الصفا نیز از حالات هرات ذکر کرده است  
علاوه برین نخوند میر/ متوفی (۹۴۲) در خلاصة الاحباب يك فصلی خاص  
راجع به صفت دار السلطنة هرات و بیان بعضی عمارات و بقاع خیر  
و باغات و شرح حال مشاهیر هرات نوشته است همین فصل را دوست  
فاضل سرور خان گویا اعتمادی بصورت رساله مستقل مرتب کرده  
و با مقدمه و حواشی و فهرست در کابل طبع و از طرف مدیریت عمومی  
تاریخ (یعنی انجمن تاریخ) در ۱۳۲۴ ش شایع شده است این رساله  
مختصر و کارآمد درین باب بسیار مفید است و حواشی و تعلیقات آن  
با منتهای محنت و قابلیت مرتب گردیده است خانیکوف نقشه مرتبه  
هرات و نواح آن را با یک مکتوبی در ژورنال ایشیا تک شایع کرده که  
خلاصه آن قرار ذیل است :

در نقشه هرات همان آثار و مقاماتی نشان داده شده که مورخین مسلمان  
در کتاب های خود خصوصاً مورخین دوره تیمور و جانشینان آن شاه رخ در  
تاریخ های خود کم و بیش ذکر کرده اند و از آن آثار کرده اند و حصص

بیشتر این یادگارها و آثار آن قدر خراب و ویران شده است که بیم آن است که بکلی از بین نرود، و چند سال بعد محال و مشکل خواهد بود که کسی بتواند مواضع حقیقی آن را دریافت کند بنا بر آن دریافت آن صرف از روی واقعات تاریخی آسان و ممکن خواهد بود زیرا که اسامی مواضع با وقایع تاریخی آن وابسته و مربوطه است در نقشه موقعیت باغ زاغان و مصلی دیده میشود مصلی را شاهرخ و خانم آن گره شاد آغا بنا کرده و بر سطح يك دیوار کاشی کار مصلی مرثیه شاهرخ نوشته شده است (۱).

قریب مصلی گنبد گوهر شاد است که در آن ۹ شهزاده تیموری مدفون است و ذکر آنان بیاید در نقشه باغ مرادهم دیده میشود این باغ در زمان سلطان حسین میرزا آباد شده بود. گازرگاه درهرات يك مقام مشهور و قدیم است و در آنجا مزارات متعدد و آثار همان مشاهیر است که تاریخ آسیا بدان متذکر و واقف است و هم قبور پنج شهزاده تیموری در این جا است شاهرخ در سنه ۸۳۲ هجری (۲) بر مزار خواجه عبدالله

(۱) مرثیه شاهرخ نبوده بلکه مرثیه بایسنقر میرزا بوده که بخط بسیار زیبا نگاشته شده بود و این سه بیت از آن مرثیه است:

بسکه رفت از چشم مردم خون دل زین واقعه

خامه را موج سرشک خویش در طوفان نماند

شوطه زد در نیل مصر از مصر گسوثی شد عزیز

چین گرفت ابروی چین در چین مسگر سخاقان نماند

و ادرینا حسرتا کز گردش گردون دون بر سر بر ملک دولت بایسنقر سخان نماند

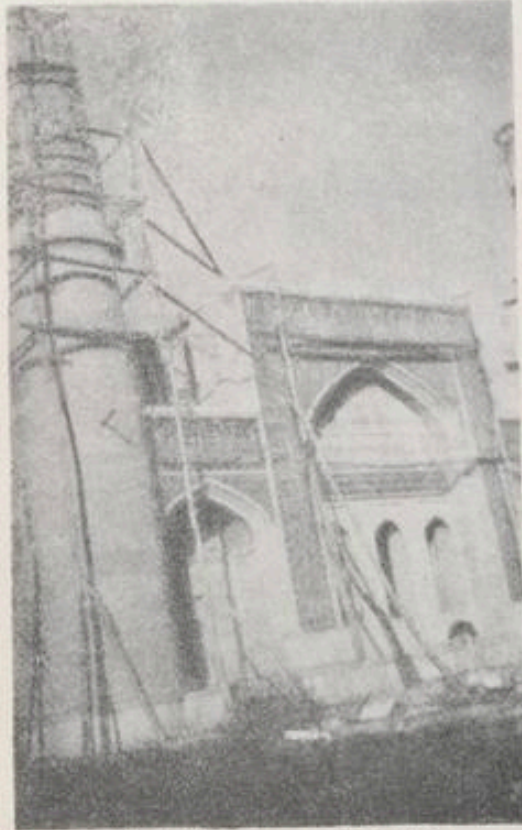
«۲» این تاریخ درست نیست زیرا شاهرخ حکم تعمیر این عمارت را در محرم ۸۲۹ هـ

داده و در سنه ۸۳۰ این عمارت بکلی تکمیل شده. «گویا اعتمادی»



مقبره سلطان مورد چشتی در

چشترات



عمارت قدیمه مدفن سلاطین غور

درچشت هرات

انصاری عمارتی بنا نمود خواجه مذکور در ۳۹۶ (۱) فوت نموده است  
شاهرخ بنا بر حسن عقیدتی که بحضرت خواجه داشت شبهای جمعه را  
در این خانقاه میگذراند .

این عمارت مقبول و خوشنما از سنگ مرمر سفید ساخته شده و حجاری  
بسیار نفیسی از گل و برگ و سایر اشکال داشته (۲) و حاوی کتیبه طویلی  
بوده است در مطلع السعدین چنین است : «مجموع آن عمارات عالی بعد

- (۱) این تاریخ غلط است بنا به آنچه در نفعات از خود خواجه انصار نقل شده  
وقت غروب آفتاب در روز جمعه دوم شعبان ۳۹۶ هجری در فصل بهار که خورشید  
در هفتم درجه ثور بود در زمان خلافت القادر بالله عباسی «۳۷۶ - ۴۲۷» متولد  
گردید و در سال ۴۸۱ هجری در زمان القایم با مراد بالله عباسی در هرات وفات یافت  
این رباعی که حاکی از تاریخ وفات حضرتش می باشد در لوح مزارشان منقور است .  
آن خواجه که در صورت و معنی شاه است      و ز سر حقیقت دو کون آگاه است  
از روی حساب جمل اردانی «فات»      تاریخ وفات خواجه عبدالله است  
گویا (۴۸۱)
- (۲) چنانچه تا امروز لوح مزار پاره بر فراز تربت حضرت خواجه انصار طاب الله ربه نصب  
است از حیث نقاری و حجاری و خطاطی از بدایع عالم و نماینده صنایع جمیله آن عصر است  
این همان لوحی است که مولانا عبدالرحمن جامی قدس سره در وصفش فرموده اند .  
میل سر مزار پرا نوار او کشد      زوار را بنیاده دل کحل اقتبا .  
و همچنین حسن خان شاملو خطاط معروف در توصیف لوح مزار آن بزرگوار این  
رباعی را از طبع خود و بقلم خود در یک قطعه سنگ مرمر بسیار شفاف و نفیس که  
در سمت قبله مقبره منصوب است نوشته و بنام خود رقم کرده :  
دهد تاساقی عرفان دلت را جام هشجاری      در آدر بزنگاه خواجه عبدالله انصاری «رح»  
بود لوح مزارش نازنین سرویکه از شوخی      ملائیک را چو قمری کرده گرم ناله وزادی  
«گویا»



از آنکه بسنگ و آجر در غایت لطافت ساخته بکاشی و زرحل و لاجورد  
زینت یافته و خطها و شکل های معقلی و کوفی و فارسی بسیار بتکلف  
در اطراف و جوانب پرداخته اند »

بعد از تیموریان فرمانروایانیکه بر خراسان متسلط شدند در نگهداشت و  
ترتیب و ترمیم این مواضع اندک کوتاهی نکرده اند چنانچه بامر شاه عباس  
صفوی يك خانقاه بسیار مجلل درین مقام بنا یافت و بحل طلاء نقش  
و نگار نمودند و برای پر کردن حوضهای وسیع باغ آن از جاهای  
بسیار دور آب آورده شد و برای این کار مصارف زیاد بکار رفت و باین  
وسیله گرد و نواح آن سیراب گردید و برای عایدات خانقاه يك ذریعه  
عمده محسوب گردید. در جانب شمال نقشه مزار  
مولینا عبدالرحمن جامی. رح است (۸۹۸-۸۱۷) عمارت مزار مولینا  
جامی بعد از وفات شان ساخته شده بطرف شرق مزار جامی يك  
مقبره و خرابه مدرسه است این بنا را یار محمدخان برای خود و خانواده  
خود بقرض مدفن ساخته بود یار محمد خان بواسطه واقعاتیکه در ۱۸۳۹  
۱۸۴۰، ۱۸۴۱ ع اتفاق افتاد و با انگریزان در تماس بود روشناس مردم  
یورپ است یار محمدخان در ۱۲ شعبان ۱۲۶۷ هجری درین مقبره دفن شد  
مگر از اتفاقات روزگار باقی افراد خانواده آن سوای يك برادر  
و خواهر وی درینجا دفن نشدند سنگ مرمر سفید قبر یار محمدخان شکسته  
است. در تاریخ وفات تیمور یان مورخین اختلاف دارند و ازین جهت  
الواح مزارات مدفونان مصلی و گازر گاد اهمیت خاص دارد زیرا  
معاصرین آنان تاریخ وفات آنها را برین کتیبه ها نوشته و کنده اند ازین

سبب مورد اعته'دشایان است بنا بران بقرار ذیل نقل نموده شد :

مدفونان گنبد گوهر شاد آغا (۱) بجوار مصلی

(۱) بایسنقر میرزا بن شاهرخ بن تیمور متوفی در ۶ شهر جمادی الاول

۸۳۶ هجری .

(۲) محمد جوکی بها در بن شاهرخ متوفی روز جمعه ۸۴۸ هجری

(۳) سلطان احمد بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگک بن

شاهرخ متوفی در ۱۵ ذی قعدة ۸۶۱ هجری

(۴) گوهر شاد آغا ، بیگم سلطان شاهرخ متوفیه در نصف شهر رمضان

۸۶۱ هجری

(۵) امیرزاده نظام الدین بن احمد بن امیرزاده رکن الدین

عبداللطیف بن الغ بیگک بن شاهرخ متوفی نصف شهر ذی قعدة ۸۶۱ هجری .

(۶) ابراهیم سلطان بق علاء الدوله بن بایسنقر بن شاهرخ بن تیمور

متوفی بروز چارشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۳ هجری

(۷) سلطان علاء الدوله بن بایسنقر بن شاهرخ متوفی ذی حجه ۸۶۳ هجری

(۸) جوکی مرزا بن امیرزاده رکن الدین عبداللطیف بن الغ بیگک

۱۵ «خرا به این گنبد با قسمتی از کاشی کاری آن تا حال بقی و بنام گنبد سبز مشهور است ، درین او اخسبر برای ترمیم این گنبد و تسطیح خیا بانها و مزار های مصلی و سایر آثار هرات غصوصا در تعمیر و تزئین مسجد جامع جناب نایب الحکومه هرات عبدالله خان ملکیار که در احیای آثار تاریخی و تجدید صنایع آن عهدشور و شوق فراوان دارند خدمات قابل تقدیر و تمجید نمود ، اندک به بدنه به نوبه خود بنام یک نفر علاقه مند بتاریخ و آثار عمرانی و آبادات نفیسه آن عهد مراتب امتنان و شکر گذاری خود را تقدیم حضورشان نموده و از خداوند بزرگ و کریم توفیق بیشتری در همه امور برایشان التجا مینمایم .

بن شاهرخ متوفی ۵ ذی حجه ۸۶۸ هجری

(۹) شاهرخ سلطان بن ابی سعید بن سلطان محمد بن میران شاه

بن تیمور متوفی ۱۵ شوال ۸۹۸ هجری.

در گازرگاه پنج شهزاده تیموری بقرار ذیل مدفون اند:

(۱) غیاث الدین منصور میرزا بن عمر شیخ میرزا بن تیمور متوفی

۸۴۹ هجری (۱)

(۲) محمد بن بایقر ابن عمر شیخ بن تیمور متوفی ۸۵۳ هجری

(۳) محمد مظفر میرزا بن منصور میرزا بن بایقر ابن عمر شیخ

بن تیمور متوفی ۸۵۳ هجری و در حاشیه سنگ مزار کنده شده  
که قبر قاتل وی محمد بن بایسنغر در مشهد است.

(۴) احمد بدیع میرزا بن منصور میرزا بن بایقر امیرزا بن عمر شیخ

بن تیمور متوفی ۸۶۶ هجری.

---

(۱) در گازرگاه نزدیک مقبره حضرت خواجه انصار رح تفتی است که از

سنگ مرمر و سنگ سیاه ساخته شده تحت مذکور مربع و اطراف آن را از سنگ سیاه بطور

خاتم کاری بالای سنگ سفید قرار داده اند با وجود مرور زمان جای وصل سنگ های

سفید و سیاه هیچ معلوم نمی شود بر روی این تخت چند صندوق سنگ قبر است که

یکی از آنوا مقبره غیاث الدین منصور پسر سلطان حسین میرزا بایقر است. سلطان علی

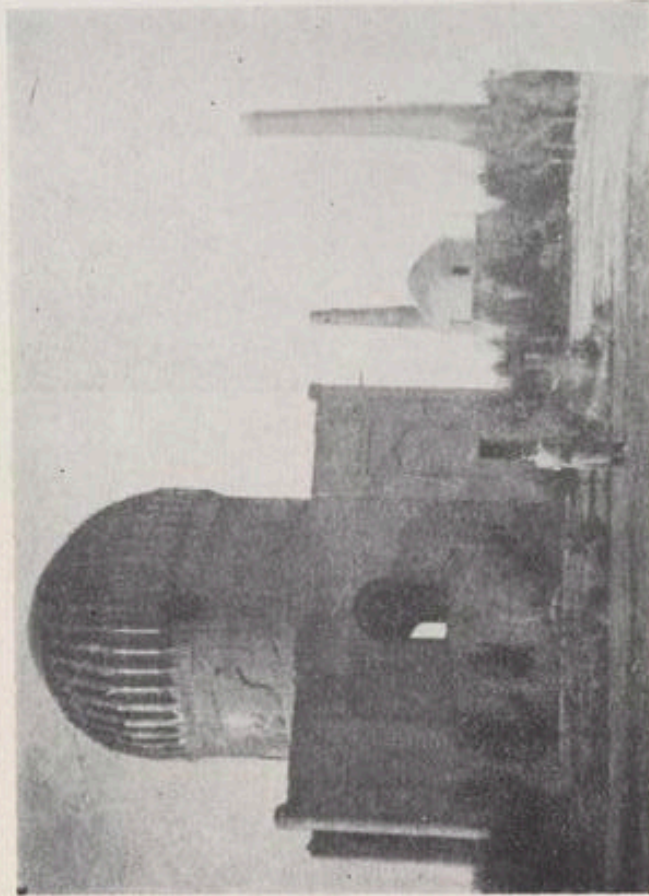
مشهدی خطاط معروف تاریخ تخت مذکور را بصورت کتیبه بسیار شیوا نوشته و بر جنب

شمالی تخت مذکور نصب است. تاریخ بنای تخت ۸۸۲ و این بیت در پایان کتیبه است

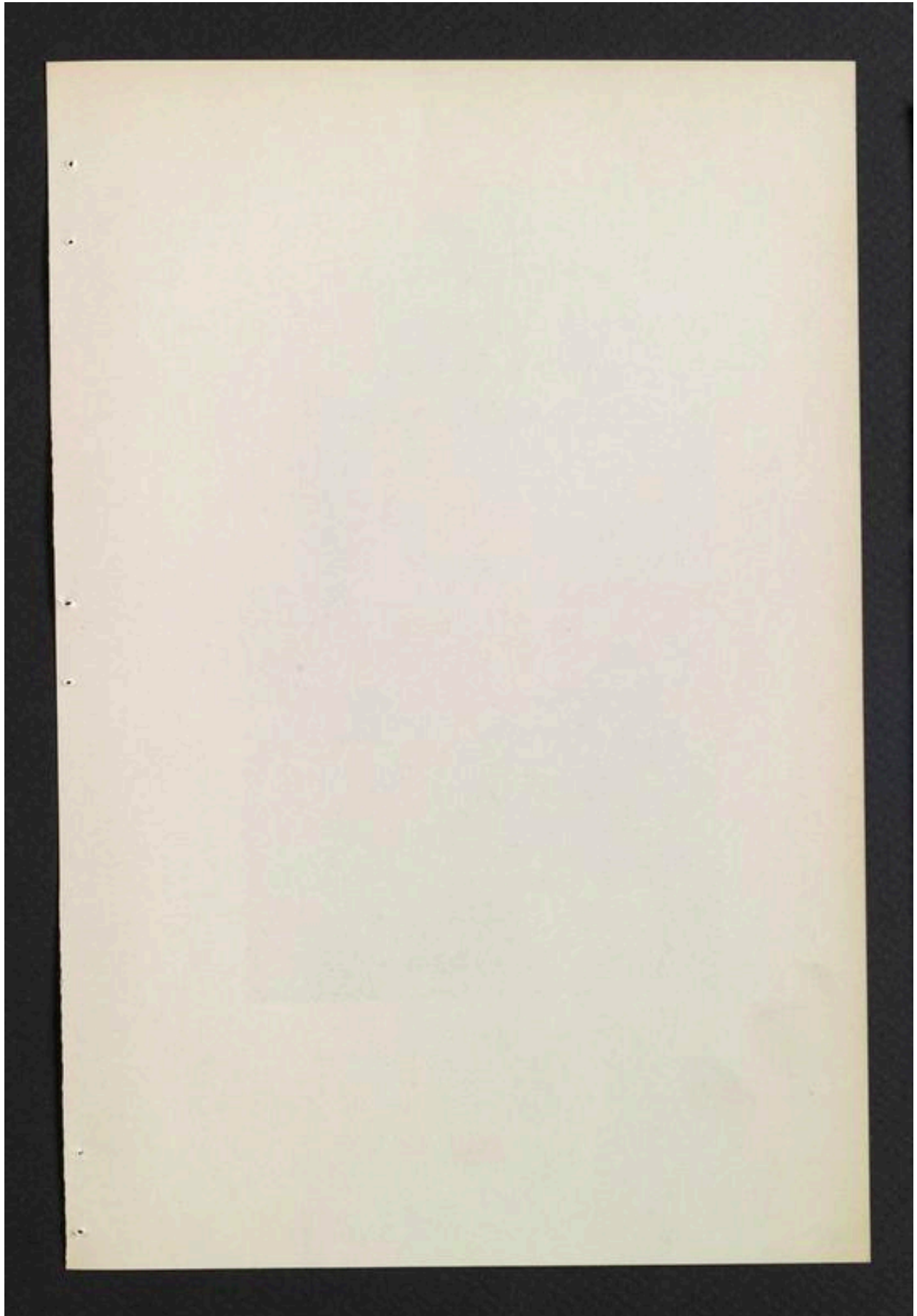
چون بهشت از مرقد منصور سلطان رخ نمود این عمارت را بوجهی بس نکون تاریخ بود

حرره العبد سلطان علی مشهدی - شماره ۱۰ سال دوم مجله هرات ۱۳۱۲ شمسی

«گویا»



گنبد مقبره گوهرشاد پسر از ترمیم



(۵) سلطان بن محمد بایسنقر (۱) بن شاهرخ بن تیمور متوفی ۱۵ ذی حجه (سنه فراموش شده) درین جامضمون مذکور خانیکوف بپایان رسید و اکنون نقل سنگ های مزار شهزادگان تیموری را با بیانات مطلع السعدین مقابله می نمایم از اشخاص نامبرده تنها شماره (۹) (شاهرخ سلطان بن ابی سعید) که تاریخ وفات آن بعد از تالیف مطلع است و ذکر آن درین کتاب نیامده باقی هشت نفر آن که در مطلع ذکر گردیده قرار ذیل است:

۱- بایسنقر بن شاهرخ: تاریخ وفات آن در مطلع صبح شنبه جمادی الاول ۸۳۷ است گویا از نوشته سنگ مزار يك سال بعد تر در سنگ مزار دوجای عدد ۶ آمده و در مطلع عدد ۱۷ است بگمان من خانیکوف در هر دوجا عدد ۷ در اسهوا ۶ خوانده است و تاریخ مطلع صحیح است و هم در مطلع مرثیه واحدی که برای بایسنقر ساخته بود نقل شده و از آن مرثیه (دل خراب) ماده تاریخ است و این مرثیه ظاهراً بحضور شاهرخ هم

۸۳۷

خوانده شده بود اسفزاری و محمد خاوندشاه صاحب روضه الصفا هر دو ظاهراً به تقلید مطلع ۸۳۷ را اختیار کرده اند و همین سنه را کلیمان

(۱) میرزا سلطان محمد بن بایسنقر از مدفونان گنبد گوهرشاد آغا است چنانچه عبدالرزاق سمرقندی در مطلع السعدین نوشته است: «در شجاعت و سخاوت نادره ایام بود و در ۸۵ بقتل ۳ مدت عمر او ۳۴ سال بود و زمان دولت او ۱۰ سال ۵ سال بطریق نیابت در زمان شاهرخ و ۵ سال با استقلال و نعش او را بدار السلطنه هرات بمدرسه مهد علیا گوهرشاد آغا در گنبد خوا بگانه پدر او میرزا بایسنقر دفن کردند» رجوع شود بمقاله گنبد سبز بقلم نگارنده در همین رساله. گویا اعتمادی

هوارد از روضة الصفا نقل نموده بذیل بایسنغرد در دائرة المعارف اسلامی  
درج کرده است.

۲- محمد جوکی بهادر در سنه وفات آن در مطلع ۸۴۸ است البته  
در سنگ مزار ذکر ماه هم است و در مطلع نیست در مطلع این واقعه  
در پایان وقایع سال ۸۴۸ درج است.

۳- میرزا احمد بن عبداللطیف: سال وفات وی در مطلع ۸۳۱ آمده  
مگر در کتیبه مزار روز و ماه نیز درج است در مطلع مبهم نوشته شده  
بدین قرار: «که میرزا سلطان ابوسعید بعد از منتصف شوال بسطرف  
بلخ روانه شد و پیش از روان شدن از امرای نامدار گروهی را مقرر  
نمود که غبار فتنه میرزا احمد را از بلخ فرو نشانند امرای نامدار  
در نواحی بلخ به او رسیده با آن تیغ بیدریغ غبار عصیان او را فرو  
نشانند» مراد اینکه میرزا احمد مقتول گردید.

۴- گوهرشاد آغا: تاریخ وفات وی در مطلع ۹ رمضان ۸۶۱  
است و عبارت مطلع اینست که «نهم ماه مبارک رمضان بقتل گوهرشاد  
آغا فرمان داد.» فهمیدن این مطلب مشکل است که در کتیبه چطور  
۷۶۶ روز تفاوت پیدا شده.

۵- نظام الدین بن احمد: تاریخ وفات آن در مطلع ذکر نگردیده  
مگر از قرینه معلوم می شود که همراه پدر خود مرزا احمد مقتول شده  
است.

۶- ابراهیم سلطان: تاریخ دفن وی در مطلع ششم شوال است  
نامبرده سوی دامغان از مشهد میرفت در راه فوت نمود و امکان دارد

که تاریخ کتیبه آن تاریخ وفات در مشهد باشد و در مطلع همان تاریخ  
دفن وی در هرات درج است یعنی ۸۶۳

۷- سلطان علاءالدوله بن بایسنغر: متعلق آن در مطلع نوشته شده  
«که در سنه ۸۶۵ هجری فوت نمود و شب جمعه بیست و یکم صفر نعلش  
اورا از طرف رستم دار آورده و در مدرسه مهدعلیا گوهرشاد آغا در  
گنبدی که مدفن میرزا بایسنغر و مرقد مهدعلیا بود مدفون شد» اسفزاری و  
صاحب حبیب السیر ظاهر آ از مطلع تقلید نموده سنه وفات میرزا را نیز ۸۶۵  
گفته اند. مگر دولت شاه ۸۶۳ نوشته که با کتیبه سنگ مزار مطابقت دارد.  
۸- جوکی میرزا: سنه وفات وی در مطلع ۸۶۸ است مگر روز و ماه  
در مطلع نیست. از مدفونان گازرگاه ذکر هیچ یک با سنین و وقایع آن در  
مطلع نیامده. در نقشه یک مقام بنام گاوجاران نوشته شده آقای سرورخان  
گویا که بدفعات متعدد هرات را دیده اند به عقیده ایشان این مقام  
گوچران است که فعلاً در هرات به همین نام زبان زد عموم است «انتها»

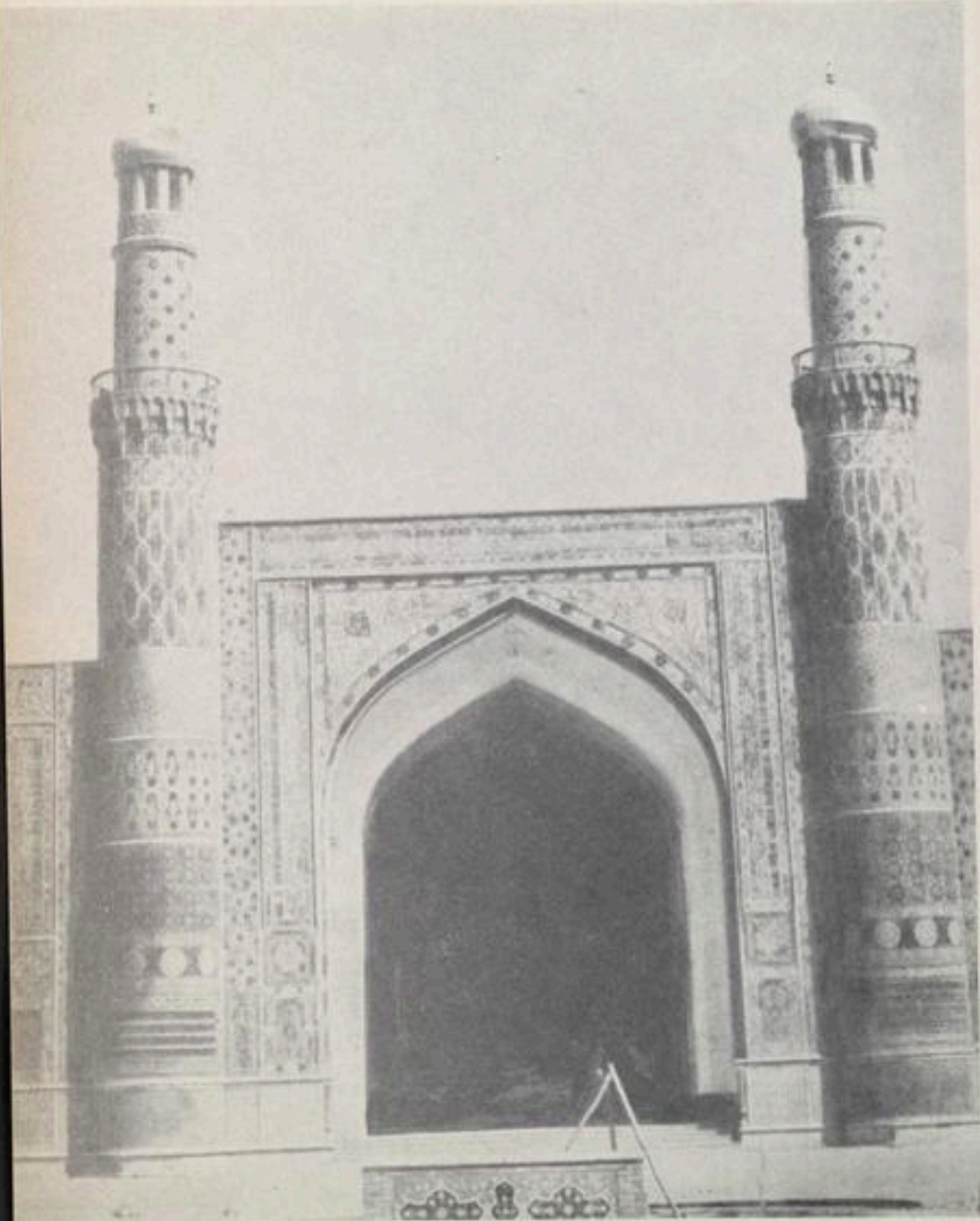


### مسجد جامع هرات

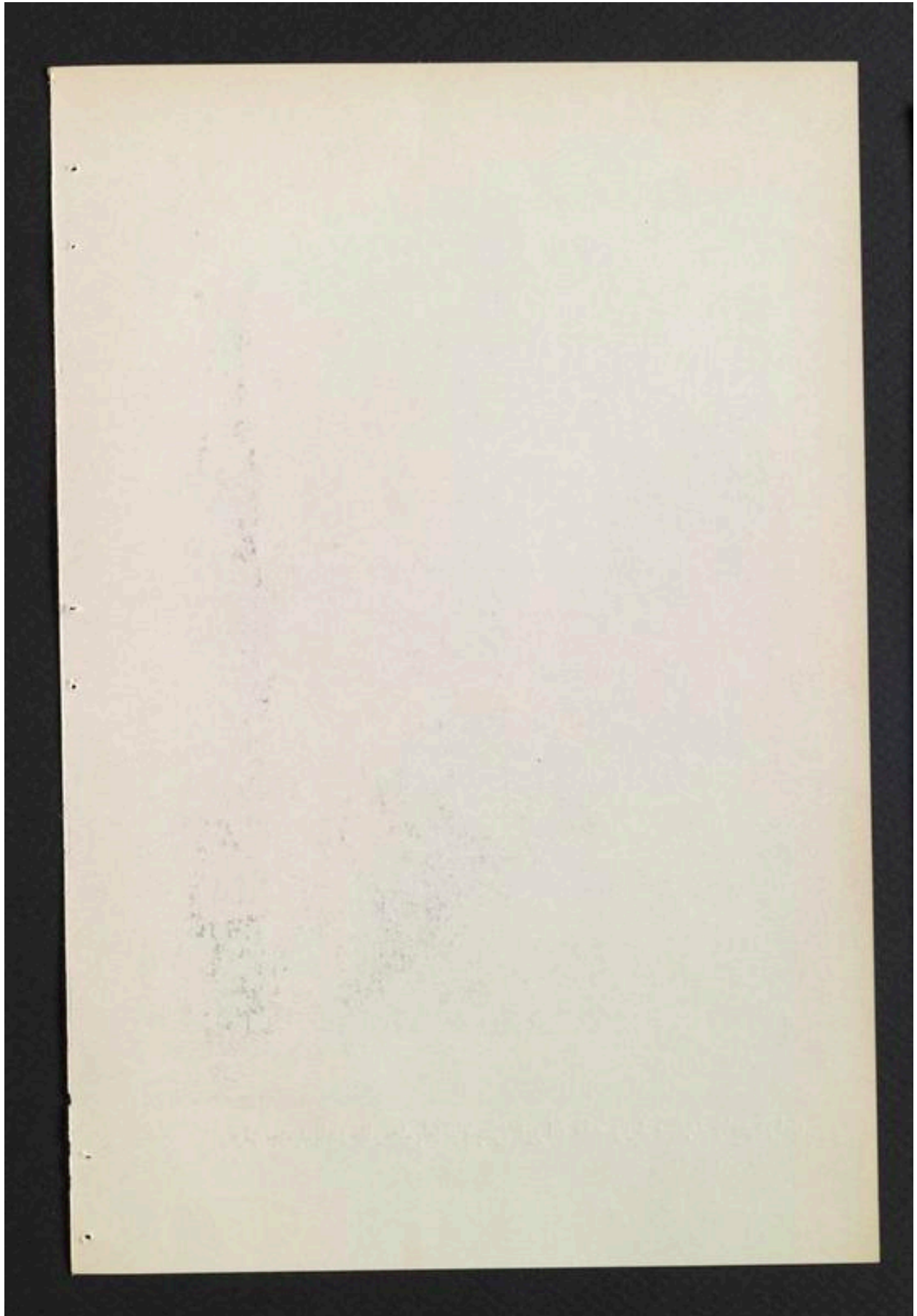
این بنای معظم و مرصوص از معروف ترین مساجد و محتشم ترین معابد اسلامی است مورخین دوره تیموری هرات تاریخ بنای آن را بدوره سلطان غیاث الدین ابوالفتح بن محمد سام غوری منسوب نموده بانی آن شخص سلطان را میدانند ولی نظریه روایات و اسنادی که در دست است مسجد جامع هرات قبل از سلطان غیاث الدین غوری معروف و مشهور بوده چنانچه مولف کتاب حدود العالم که بسال ۳۷۲ هجری کتاب خود را تالیف نموده در ناحیت خراسان می نویسد:

هری شهر بزرگ و شهرستان وی سخت استوار است و مزکت جامع این شهر آبادان ترمزکت هاست (۱) بعد از مولف نام برده منهاج سراج در طبقات ناصری چنین نوشته است « دو همای زرین هر یک بمقدار شتر بزرگ سلطان غازی معزالدین از فتح اجمیر بوجه خدمتی و تحفه بحضور سلطان غیاث الدین محمد سام فرستاده بود با بسیار تحف دیگر چون حلقه زرین بازنجیر زرین و زنجیر که دایره

(۱) حدود العالم من المشرق الی المغرب طبع طهران ۱۳۱۴



رواق جدید باد و منار جدید لتاسیس ایوان مقصورة مسجد جامع هرات



آن پنج گز در پنج گز بود و دو کوس زرین که بر گردونه آوردند  
 و سلطان غیاث الدین آن حلقه و زنجیر و جریره را در پیش طاق مسجد جامع  
 فیروز کوه بفرمود تا بیاویختند و چون مسجد جامع را سیل خراب کرد  
 آن کوس و حلقه و زنجیر و جریره را بشهر هرات فرستادند تا مسجد  
 جامع هرات را بعد از آن چه بسوخته بود (۱) از آن وجوه عمارت  
 کردند تقبل الله منهم (۲)

پس بنا بر قول مولف طبقات ناصری این مسجد بزرگت بعد از سوختن

(۱) تا جاییکه تحقیقات شد علت سوختن جامع هرات در آن وقت معلوم نیست فقط  
 جزه اساطیر محلی اشارتی درین معنی میشود هم چنین مولانا جامی هروی و علی قانع  
 هندی در نفعات الانس و تحفة الکرام قضیه مذکور را بدین ترتیب نقل میکنند:

در ویش محمد چرخگر که یکی از ابدال بوده در جامع هرات بسربردی روزی  
 در مسجد خفته بود که کوزه آب روی ریخته بود ندغام مسجد آنجا رسید پنداشت که وی بول  
 کرده است وی را چند آن بز که اعضای وی مجروح گشت چرخگر آهی بزد و بیرون  
 رفت مسجد از چوب بود آتش پیدا شد و در وی گرفت و بسوخت و از آنجا به بازاری که  
 آنرا بازار جمله فروشان گفتندی در آن مد سلطان مجدالدین طالبه را از آن خسبر  
 کردند در عقب چرخگر روان شد چون بوی رسید گفت آبی چرخ گرشهر مسلمان را چرا  
 میسوزی چرخ گر باز گشت و آب چشم خود بر آتش افگند آتش فرو مرد و نا پدید شد و این  
 رباعی بگفت :

آن آتش دوشین که برا فروخته بود      او سوختن از آن من آموخته بود  
 گر آب دو چشم من ندادی یاری      چه جمله فروشان که هری سوخته بود  
 نفعات الانس ص ۳۲۰-۳۲۱ طبع نول کشور و تحفة الکرام ج ۲ ص ۱۸۶ صحت  
 این حکایت هر طوریکه باشد مطلب ما این است که درین مقاله هر اطلاعی که از هر  
 جا و هر گوشه بدست آید بمطالعه خوانندگان برسانم .

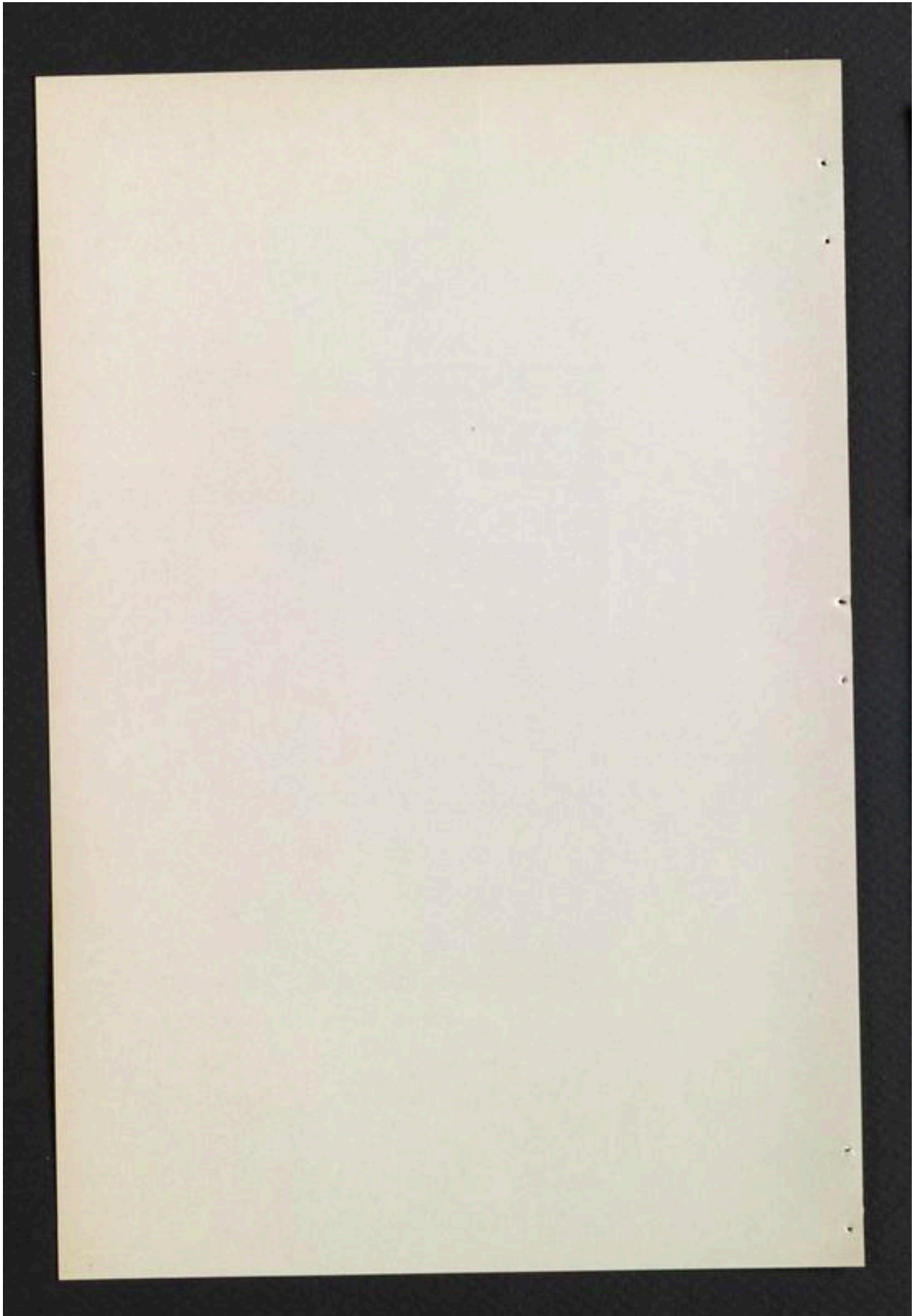
(۲) طبقات ناصری نسخه قلمی متعلق بقاضی دانشمند آقای حبیبی .

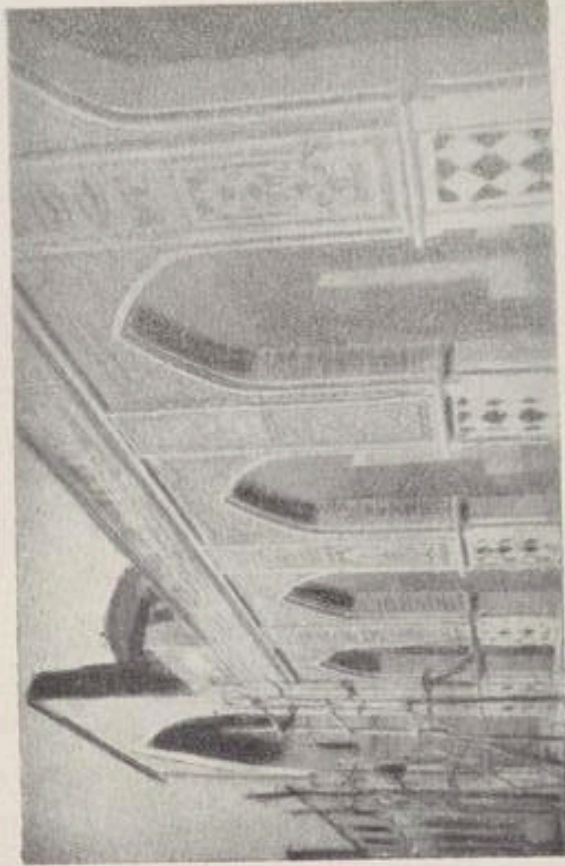
با مرسلطان بدین پیکر و شکل موجوده سر از نو در سال ۵۹۷ هجری  
مطابق (۱۲۰۰ ع) تعمیر و آباد گردیده چنانچه در کتیبه که در کمر بند یکی  
از رواقهای این مسجد است به خط کوفی اسم سلطان چنین نقر گردیده :  
« السلطان المعظم شهنشاہ الاعظم مالک رقاب الامم مولی ملوک  
العرب والمعجم سلطان ارض الله حافظ بلاد الله معین خلیفة الله  
غیاث الدنیا والدین معز السلام والمسلمین نظام العالم ابوالفتح محمد  
بن سام قسیم امیر المومنین انار الله برهانه » بنا بر تمایل و دل بستگی که  
سلطان باین مسجد بزرگ داشته در زمان حیات خود گنبد بسیار  
باشکوهی متصل این مسجد برای قبر خود ساخته است. چنانچه بعد از  
مرگ که در ۲۷ جمادی الاول ۵۹۹ در هرات درگذشت در همان جا  
دفن گردید (۱) و این گنبد در زمان ملوک کرت به گنبد ملکان اشتهار  
یافت (۲) و هم از نوشته موءلف روضه الصفا و حبیب السیر معلوم میشود که  
بنای این مسجد در زمان حیات سلطان غیاث الدین بکلی خاتمه نیافته  
و اتمام کلی آن در وقت سلطان غیاث الدین محمود (متوفی ۶۰۷) بن  
سلطان غیاث الدین محمد بوده چنانچه هر دو مولف نامبرده مینویسند :  
« عمارت مسجد جامع هرات را که نا تمام مانده بود او با تمام رسانید » (۳)  
عده از مورخین می نویسند که سلطان غیاث الدین این مسجد را برای  
وعظ و درس امام فخر رازی ساخته و امامت مسجد در زمان سلطان

(۱) طبقات ناصری صفحه ۲۰۲ نسخه قلمی، روضه الصفا ج ۴ صفحه ۲۱۳ طبع لکنهو

حبیب السیر جزو ۴ جلد ۲ صفحه ۷۵۵ طبع بمبئی (۲) روضه الصفا ج ۴ - صفحه ۲۲۹

(۳) روضه الصفا ج ۴ صفحه ۲۱ و حبیب السیر جزو ۴ جلد ۲ صفحه ۱۵۶





صحنه داخلی مسجد جامع تهران

غیاث الدین مخصوص اصحاب شافعی بوده (۱) و امام المتکلمین امام  
فخر رازی که کتا بهای چندی هم بنام سلطان غیاث الدین نوشته مدت ها  
ها در مسجد جامع هرات حلقه و عظم و درس داشته (۲) سید عبد الله الحسینی  
مشهور به اصیل الدین و اعظم در رساله مقصد الاقبال خود که در سنه ۸۶۴ ه  
تالیف نموده درباره مسجد جامع هرات و امام فخر مینویسد :

« از آثار خیر او (مراد از سلطان غیاث الدین است) بنای مسجد جامع  
هرات است که از غنیمت حلال ساخته شده اساس آن از تقوای موسس  
وصفای آن از خلوص عقیده بانی خیر میله همواره معبد اولیا و اتقیا بوده  
و هست و مشهور است که چهار جمعه یک نوبت حضرت خزر علیه السلام آنجا  
بنماز حاضر میشو دو هر گز از اهل غیب خالی نیست و بسی سالک جلد میاید  
که شب تنها در آنجا قیام نماید و در طرف جنوبی مسجد بصف اول دو  
رکعت نماز گذاردن و مراد خواستن اثری تمام در و همین مولف  
در شرح حال و مزار امام فخر رازی مینویسد « در زمان سلطان غیاث الدین  
غوری در هرات ترقی نموده و سلطان موصوف مسجد جامع هرات را  
باسم شافعیه به جهت امام مذکور بنا نموده و هر روز جمعه آنجا به  
نصیحت مسلمانان مشغول می شد (۳)

در زمان ملوک کورت نیز این مسجد بزرگ در اوج شهرت و اعتبار  
و احترام بوده و ملوک کورت هر یک بنوبه خرد الحاقات و ترمیماتی در  
بنای این مسجد نموده اند چنانچه ملوک غیاث الدین کورت (۷۰۷-۷۲۹)

(۱) دوشه الصفا ج ۴ صفحه ۱۳ (۲) ایران امروز شماره ۵ و ۶ سال اول (۳) مقصد

الاقبال نسخه قلمی مورخه ۱۱۹۸ ه



بنا بقول مولف حبیب السیر در ایام دولت خود مسجد جامع هرات را که فی الحقیقه جامع فیوض و برکات است و روی بویرانی آورده بود تجدید عمارت فرمود و هم در آن بقعه متبرکه که پهلوی سلطان غیاث الدین محمد سام مدفون شد و ایضاً مدرسه غیاثیه که در شمال مسجد مذکور است بنا کرده معمار همت آن پادشاه وافر مکرمت (غیاث الدین کورت) است (۱) عبدالرزاق سمرقندی مولف مطلع السعدین درین خصوص معلومات بیشتری میدهد: «مدرسه غیاثیه بطرف شمال مسجد جامع هرات که از مشاهیر مدارس است و ساخته و اوقافی جهت عمارت این مدرسه و وظائف امام و خطیب و حفاظ و موزنان و مقرران مسجد جامع هرات او کرده است» (۲) بعد از ملک غیاث الدین ملک معز الدین کورت ۷۳۲-۷۷۱ بنویسه خود خانقاه جدیدی متصل مسجد جامع هرات بنا نمود و خودش در تاریخ ۳ ذی قعدة ۷۷۱ هجری در جنب مقبره سلطان غیاث الدین محمد سام پهلوی پدر خویش ملک غیاث الدین کورت مدفون گردید (۳) دیگک فلزی بزرگ هفت جوش و منقش که تا امروز در ایوان غربی مسجد جامع روی پایه ها گذاشته شده نیز از آثار ملوک کورت است این دیگک فلزی بزرگ را در زمان یکی از پادشاهان کورت قلندر نام فقاعی ساخته است. قطر آن یکنیم متر و عمق آن ۲ متر است این دیگک را برای پر کردن شربت در ایام متبرکه وقف مسجد جامع کرده بودند و رحاشیه بیرونی دیگک اسم محمد بن محمد بن محمد

(۱) حبیب السیر جزو ۲ جلد ۳ صفحه ۷۴ (۲) مطلع السعدین نسخه قلمی (۳) حبیب السیر جزو ۲

جلد ۳ صفحه ۷۷- تاریخ ملوک کورت تالیف نگارنده صفحه ۱۴۹

کرت کنده شد و این دو بیت در مدح پادشاه وقت و تاریخ اتمام آن دیده

میشود :

هزار سال جلالی بقای ملکش باد

شهور او همه اردی بهشت و فروردین

بسال هفتصد و هفتاد و شش بعد از هجرت

که نقش بند حوادث نمود صورت این (۱)

از روی نام محمد بن محمد که در حاشیه بیرونی دیگت نقر شده کسی در سلسله شاهان کرت بدین نام نیست شاید شمس الدین محمد بن محمد ابی بکر کرت باشد ولی از قرار تاریخ زمان فرمان روائی ملک شمس الدین از ۶۴۳ تا ۶۷۴ است و تاریخ اتمام این دیگت ۷۷۶ است تطبیق این تاریخ تنها با نام حکومت ملک غیاث الدین پیر علی بن ملک معز الدین که آخرین ملک سلسله ملوک کرت است شده میتواند زیرا ایام فرمان روائی او از ۷۷۱ تا ۸۷۴ است (۲) بعد از ملوک کرت در زمان شاهرخ میرزا (۷۵۰-۸۰۷) که شهر هرات از بهترین مراکز و در حقیقت گاستان پر نقش و نگار آسیا بوده در زمره سایر عمرانات و آبادی هرات مسجد جامع هرات هم مورد توجه خاص شاهرخ قرار گرفته است چنانچه کتیبه که تا کنون بخط ثلث برواق غربی مسجد دیده میشود نام شاهرخ بهادر دران مرقوم و ازین معلوم میشود که در ترمیم و نقش نگار رواق ها و تزئین دیوارها و شبستان های

(۱) آثار هرات ج ۱ ص ۵۱ طبع هرات و سالنامه کابل ۱۳۱۸ طبع کابل

(۲) تاریخ ملوک کرت نسخه قلمی تالیف نگارنده صفحه ۱۵۱

آن حصه زیادى داشته است و اقدام احمد لى نسبت به قتل شاه رخ و كار د  
خوردن آن در روز جمعه ۲۳ ربیع الآخر ۸۱۰ در همین مسجد بوده چنانچه  
يكى از فضلاى هرات در تاريخ آن واقعه گفته است :

سال تاريخ هشتصد و سى بود روز جمعه پس از اداى صلوات  
قصه بس عجيب واقع شد در خراسان ولى بشهر هرات  
كجروى در بساط چون فرزين خواست تا شهرخى ز نرشد مآت (۱)  
در زمان سلطان حسين بايقرا (۸۴۲-۹۱۱) و وزير نامدار او مير على شير  
نوائى «۸۴۴-۹۰۶» كه هرات از بزرگترين و معظم ترين شهرهاى  
آسيا بوده اين مسجد بزرگك مورد توجه بسيار و احترام خاص پادشاه  
و وزير و ساير اعيان و معارف آن وقت بوده است .

بهترين شرحى كه درين دوره نسبت باين مسجد نوشته شده و ما را  
از هر شرح و بيانى درين خصوص بى نياز ميكند خلاصه الاخبار است كه  
خوند ميردر ۹۰۴ تاليف نموده و در فصل اخير آن از اين مسجد بزرگك  
چنين ذكر كرده :

از جمله ائمه عظيم الشان رفيع البنيان كه درين بلده جنت نشان  
واقع است يكى مسجد جامع است كه فى الحقيقه جامع فيوضات الهى  
ورافع كدورات نامتناهست تا سپهر دو را آغاز دوران كرده هيچكس  
مقامى بدين رصانت و مكاني بدين پاكي و نزاهت نشان نداده و تا خسرو  
ثوابت و سيار در سيرو سلوك آمده هرگز چشمش  
بر اساسى برين قياس متين و مستحكم نيافته طاق سپهر

(۱) حبيب السیر جزو ۳ جلد ۳ ص ۱۲۷

آسای مقصوره اش در معموره آفاق جفت ندارد و صفای صفة  
معموره اش هر لحظه روحی تازه با بدان معتکفان در آرد از زمزمه  
قرائت حفاظ خوش الحانش مقیمان عالم بالا پر فیض و سرور و از  
غلغله آذان موزنان نغمه پردازش مسبحان ملاء اعلیٰ پر ذوق و حضور .

مسجد او جامع فیض اله زمزمه خطبه اوتا بماه

بر سر نه تخته گرفته شهبی منبرش از خطبه بیت الهی

غلغل تسبیح بگنبد درون رفته زنه گنبد والا برون

طاق بلندش بفلک گشته جفت حامل او گشته فلک در نهفت

قبه او بر شده بالای چرخ فرش تهش اطلس والای چرخ

هر که سعادت بودش رهنمای بر در آن سر نهاد آنگاه پای

و این بقعه شریفه را سلطان ابوالفتح غیاث الدین محمد بن سام

در او خرایام دولت خویش بنا نهاد و پیش از آنکه خاطر خطیرش از

اتمام این مقام فارغ شود بجوار رحمت حضرت عزت انتقال نمود

برادرش سلطان شهاب الدین بواسطه مخالفت خوارزم شاه بتعمیر

مسجد نپرداخت اما پسرش سلطان غیاث الدین محمود بعد از آنکه

پادشاه شد عمارت آن موضع متبرک را تمام ساخت و چون مدتی بر

آن حال بگذشت و بسبب فتنه و طغیان چنگیز خان و خرابی ولایات

خراسان آن منزل رفیع الشان روی بویرانی نهاد و تجدید تعمیرش

بسعی و اجتهاد پادشاه نیکو نهاد ملک غیاث الدین کرت اتفاق افتاد و

پس از فوت او ملک معز الدین درزیب و تزئینش شرط جد و جهد بجای

آورد و در زمان حضرت خاقان سعید مغفور ( مراد از شا هرخ است )

امیر جلال الدین فیروز شاه (۱) نیز فی الجمله مرمتی کرد .  
هر که آمد عمارت نو ساخت رفت و منزل بدیگری پرداخت  
و آن دیگر پخت هم چنین هوسی این عمارت بسر نبرد کسی  
در ایام دولت و دوران سلطنت سلطان صاحبقران و خاقان  
گیلیستان معز السلطنه و الخلافه ابوالغازی سلطان حسین  
بهادر خان خاندان الله تعالی ظلال اقباله طاق  
مقصوره اش شکستی تمام یافت و اطراف قبّه معموره اش  
بسرحد خرابی شگفت جدار بلند مقدارش مانند را کمان پشت  
خم کرده و پیل پایه های عالی آثارش مثال ساجدان روی نیاز بر  
زمین آورده سفیدی گچ از سقف مرفوعش مرتفع شده و خاک سیاه  
نمناک برز بر فرش میمونش مجتمع گشته چون ابن معانی بر ضمیر  
انور عالی جناب مقرب الحضرت السلطانی (مراد از امیر علی شیر است)  
پر تواند اخت همت عالی نهمت بر تجدید بناء این مسجد شریف و  
تشنید اساس این معبد منیف مقصور ساخت و از پادشاه اسلام اجازت  
طلبیده و از ارواح مقدسه مشایخ عظام استمداد کرده و در رمضان سنه  
ثلاث و تسعمائه (۹۰۳) نخست بباز کردن پشت گنبد و طاق مقصوره اش  
که مکسور گشته بود امر نمود بعد از آن باستصواب معماران حاذق  
و مهندسان مدقق بر امت ساختن آن بنا بروجهی که از آن محکم تر  
نباشد اشاره فرمود و در دو جانب صفت مقصوره دو ایوان عالیشان

(۱) در زمان شاه رخ حاکم و فرمان فرمای شهر هرات بوده .

بنیاد نهاد و بدان جهت طاق بزرگ را استحکام تمام و مقانت  
 مالا کلام داد و آن بانی مبنای خیرات بواسطه کثرت اهتمام در تمام این  
 عمارت بنفس نفیس به آن مقام شریف شریف می آورد و در  
 بسیاری روزها دامن در میان زده مانند سایر مزدوران خشت بدست  
 استاد میداد و کار میکرد و در هر چند روز معماران و استادان و سایر  
 هنرمندان را که در آنجا می بودند جامه های گران مایه پوشانیده و بنوازش  
 موفور می نواخت و با نعمات غیر محصور خوشدل و مسرور میگردانید  
 لاجرم بتوفیق الهی و تائید نامنتهای پادشاهی کار سه چهار ساله در مدت  
 شش ماه با تمام رسانید و رفعت ایوان مقصوره اش بمقتضای همت امیر  
 بحر مکرمت از آنچه پیشتر بود مقدارشش هفت زرع در گذشت و چون  
 اصل کار با تمام رسید و قواعد آن مانند بنای هر مان مستحکم گردید فضلا  
 و شعراء در تاریخ تجدید این بنا ابیات فصاحت آیات در سلك نظم  
 کشیدند و کتابه نویسان بعضی از آن ها را در کتابه آن بقعه عالیله  
 مسطور گردانیدند عالیحضرت خداوندی مقرب الحضرت السلطانی  
 لفظ مرمت کرد در جهت ضبط تاریخ آن بنا یافته بودند و بحسب توارد جناب  
 مولوی مخدومی فضیلت شعاری مولانا معین الملت والدین اسفزاری  
 رانیز همین لفظ بخاطر آمده بود و بدین گونه نظم نمودند :

نظام دولت و دین میر پادشاه نشان

که دولت دو جهان نیش حق کرامت کرد

مرمتی که زاصل بنا فزون تر بود

درین مقام شریف از علوهمت کرد

توافق حسن بین واقضاً زمان

که چون موافق تاریخ شد مرمت کرد

۹۰۴

وراقم حروف را این قطعه بخاطر فترت رسیده بود:

گشت محکم اساس این مسجد

ز اهتمام امیر بنده نواز

بهر تاریخ گفت مرشد عقل

شده مشید اساس مسجد باز

دیگری در تاریخ این بنا گفته:

مقصوره طاق مسجد شهر

گردیده خراب بود از دیر

شده امرز غیب و گشت تاریخ

وفق لبنا نه علی شیر

ایضاً

این صفحه که مانده بود چون عظم رمیم

ماننده کعبه یافت احیای عظیم

تاریخ عمارتش زدل جستم گفت

ثانی بنای طیب ابراهیم

القصة پس از آنکه ضمیر انور امیر والا گهرا از جانب مدانت واستحکام

آن معبد عالی مقام فارغ گشت خیال زیب و آرایش و اندیشه تکلف

و نمایش بخاطر خطیرش گذشت لاجرم بموجب اشاره علیه مهندسان

خجسته آثار و کاشی تراشان شیرین کار و هنر مندان نقاش و استادان

سنگ تراش بجله هر چه تمام تر روی بتدیهیب و تزئین آن مسجد فیض  
آئین آوردند و در مدت یکسال کاری را که بحسب تخمین و قیاس  
می بایست که در قریب پنج سال اختتام یابد در غایت پاکی و آراستگی  
تمام کردید چون طاق ها و رواق هایش بنقوش اسلامی و ختائی مزین  
و متحلی شد و صفحات صفهای پر صفایش بوفور تکلفات غریب و کثرت  
اختراعات عجیب از سایر بقاع ممتاز و مستثنی گشت سقف گنبد های  
بلندش مانند صحیفه اعمال نیکو کاران صفت سفیدی و روشنی پذیرفت  
و از راه های ایوان های ارجمندهش از سنگ های سوردان برصانت  
تمام و متانت مالا کلام گرفت:

پراز نقش و نگار از فرش تا سقف مهندس را برو فکر و نظر و وقف  
ز عالی غرفه هایش چشم بد دور مقوس طاقها چون ابروی حور  
و چون منبر قدیم که از چوب جوز تراشیده بودند در هم شکسته بود  
همت عالی نهمت امیر صافی طویت مقتضی آن شد که منبری از سنگ  
مرمر ترتیب نماید و ملازمان آستان رفیع الشان در جستجوی و تنگ  
و پوی افتاده در ولایت خواف سنگ مرمر یافتند و آن را به بهای  
تمام از صاحبش خریده باندک زمانی باین بقعه مبارک آوردند  
و استاد شمس الدین سنگ تراش بساختن آن اشتغال نموده باین  
اهتمام امیر عالی گهر منبری ساخته و پرداخته شد که تا آفتاب عالم آرا  
هر صباح خطیب آسا بر منبر نه پایه سپهر خضر ابر می آید شبیه و نظیر آن  
ندیده و تا سنت سنیه نماز جمعه و جماعت در میان امت حضرت رسالت (ص)  
پدید آمده گوش هیچ آفریده مثال و مانند آن نشنیده زبده فضلی



زمن امیر اختیارالدین حسن زیدت فضا یله جهت تاریخ اتمام این  
منبر عالی مقام این ابیات را در سلک انشانظام و انتظام داده :  
از همت بزرگی شد منبری مکمل کز غایت ترفع بر عرش سر کشیده  
هرگز کسی ندیده منبر ز سنگ مرمر تاریخ شده همان کو هرگز کسی ندیده  
و این مسجد شریف مشتمل است بر چهار صد و شصت گنبد و صد و سی  
رواق و چهار صد و چهل و چهار پیل پایه و طولش سوای عرض دیوار  
دو صد و پنجاه و چهار زرع است و عرضش صد و پنجاه زرع و طول صفه  
مقصوره شصت و پنج زرع و عرضش بیست و پنج زرع و دهن طاقش بیست  
و شش زرع و طول صفه شمالی بیست و سه زرع و عرضش  
پانزده زرع و طول صفه جنوبی بیست و دو زرع و عرضش سیزده زرع  
و نیم و طول گنبد مقبره ملوک بیست و چهار زرع است و عرضش بیست  
و سه زرع و طول صحن مسجد صد و چهارده زرع است و عرضش  
هشتاد و چهار زرع و این بقعه شش دروازه دارد که غیرت هشت در  
بهشت است و در هفت اقلیم شبیه و نظیر ندارد و با جمله در روز چهارشنبه  
چهاردهم شهر شعبان سنه خمس و تسعمائه ( ۹۰۵ ) که تکلف و تزئین  
این مسجد جنت آئین با تمام رسید آن صاحب توفیق و صائب تدبیر آش  
عظیم ترتیب داد خطیب و امام و واعظ و حافظ و متولی و خادم  
و استادان و عمله و فاعله را بتمام در آن مقام طلب نموده شرط ضیافت  
به تقدیم رسانید آنگاه قامت قابلیت آن جماعت را که قرب صد کس  
بودند به پوستین ها گرانها و فرجیهای صوف اعلی و قباهای قیمتی  
و دیگر ثیاب فاخره مزین و آراسته گردانید امید بکمال و کرم حق عز و علا

آن است که بر هر گام میکه ملازمان این امیر کبیر نکونام در سر انجام  
 مهام این عالی مقام نهاده اند در دنیا بکامی فایز شوند و بهر خشکیه  
 درین مسجد میمون سرشت بکار برده اند در عالم عقبی با حراز بهشتی  
 سرافراز گردند این دعا از من و از خلق جهان آمین باد» (۱).

در رساله مزارات هرات طبع مطبع دانش نیز از بنا و ترمیم و الحاقات  
 میر علی شیر نوائی و خصوصیات مسجد جامع و سایر دوره هائی که طی  
 کرده چنین نوشته شده: «در شمال مسجد متصل مدرسه غیاثیه خاتقاهی  
 است که اکثر مشایخ در آن موضع متبرک بخلوات و اربعینات بسر برده  
 اند (۲) و بسیاری از اهل دل درین موضع متبرک بمقاصد کلیه فایز آمده  
 اند و در میان گنبدی که در صفا شمالی است سلطان عیث الدین غوری  
 مدفون گشته و بعضی از ملوک کرت نیز در آن گنبد مدفونند در طرف غربی  
 گنبد مذکور مدرسه معمور گشته آنهم از آثار و بناهای ملوک کرت است  
 این مسجد شریف از عجائب مسجدهاست چنانچه وسعت آن شانزده  
 جریب است چهار صد و شصت گنبد دارد و ۴۴۴۴ فیل پایه و شش دروازه  
 ا مادر تاریخ ۹۰۴ هجری در وقت سلطان حسین میرزا اوزبیرا و امیر  
 علی شیر تجدید و ترمیم مسجد را بطرز جدید نموده چنانچه کاشیکاری

(۱) نقل از نسخه قلمی که دو صد سال قبل در هرات نوشته شده. (۲) درین چله خانه  
 حضرت خواجه عبید الله احرار و مولا ناجامی چندین چله گد شقانه اند. این رباعی را  
 مولا ناجامی در وقت اعتکاف خود بردیوار خانقاہ بخط مبارک خود نوشته بودند.

لیس فی الکائنات ثنائیه

بقعه غیر مساست گوشه دیر

طیب الله عیش بانیها

عیش جامی درو مدام خوش است

و میزنه و اطراف مسجد شریف را بسنگ مرمر آباد نموده و تاریخ آباد شدن مسجد مذکور این دور باعی است :

مقصوره و طاق مسجد شهر      گردیده خراب بود از دیر  
شد امر زغیب و گشت تاریخ      وقف لبناثه علی شیر

۹۰۴

ز تعمیر این بتعه جان یافت فیض      که مانند خداست ماوای فیض  
چو از فیض اتمام شد بهره مند      خرد یافت تاریخ آنجای فیض (۱)

۹۰۴

در سال ۱۰۴۵ هجری در عهد شاه اسماعیل صفوی دوباره خراب گردیده بود، در سال ۱۲۵۳ هجری وزیر یار محمدخان در انسی آباد نموده و در ابتدای سلطنت ضیاء الملة والدين امیر عبدالرحمن خان مرحوم ایوان قبله که خراب شده بود آباد گردید و در سال ۱۳۲۵ هـ که سراج الملة والدين امیر حبیب الله خان مرحوم بطریق دوره تشریف فرمای دارالنصرت هرات شدند چون مسجد متبرک را از آثار قدیمه دیدند و به مرور ایام روی به انهدام نهاده بود امر و ارشاد فرمودند که مبلغ دو لک روپیه از عین المال خود شهریاری صرف آبادی مسجد شریف بشود و صداقت نشان شاغاسی دوست محمدخان را که از نظامی ملک بود مقرر این خدمت نمودند همان بود که بمدت پنج سال بطرز قدیم آباد شد. (۲)

(۱) اکنون نیز این دور باعی فوق بار باعی که ذیلاً مرقوم است از دستبرد

زمان محفوظ مانده و بخوبی خوانده میشود.

این صفت که مانده بود چون عظم ریمیم      مانند کعبه یافت احیای عظیم  
(بقیه در صفحه ۳۱)

تزیینات این مسجد:

از ریزه کاریهای صنعتی و گچ بریهای ضریف، و کاشی کاریهای نفیس و نقاشی های دقیق که یادگار دوره سلاطین غور و ملوک کورت باشد چیزی قابل ذکر نمانده است تنها نمونه گچ بری با انواع آرایش های مختلفه یعنی تنظیم متن کتیبه بخطوط کوفی گل دار و کنده کاری درون خطوط با سایه و روشنی مخصوص در یک قسمت گنبد مخروطی سلطان غیاث الدین دیده میشود این صنعت جمیل و ظریف حاکی از مهارت دقیق و چیره دستی کارگران و استادان این بنای عالیست و انسان تعجب می نماید که آیا چطور توانسته اند با یک مشت گل و گچ چنین هنری از خود نشان دهند که هنوز پس از چندین قرن مایه بهت و شگفت بیننده باشد از دوره شاه رخ و سلطان حسین میرزا که تزیینات و کاشی کاریهای مغرق و خطوط نقاشی و تذهیب های استادانه آن در اوج مهارت و ظرافت بوده و نظیر و مانند آن امروز هم در مسجد شیخ لطف الله و مسجد شاه و عالی قاپو در اصفهان و مسجد گوهر شاد در مشهد و مسجد بی بی خانم در سمرقند دیده میشود بجز از دوسه پارچه کاشی کاری و دوسه کتیبه رواق چیزی دیگری نمانده است و همین مقدار باقی مانده که با اصطلاح مشت نمونه خروار است مهارت و نیروی استادان

«بقیه صفحه ۳۰»

تاریخ عمارتشن زدل جستم گفت ثانی بسنای طیب ابراهیم

۹۰۴

(۲) رساله مزارات هرات طبع مطبع دانش

و نقاشان آن عصر را بخوبی نشان میدهد.

مسجد جامع هرات از نظر سیاحان و دانشمندان جهان:

سیاحان و دانشمندان جهان نظر به عظمت و شهرت و زیبایی که این بنای  
عظم داشته در آثار خود هر یک از نقطه نگاه خویش شرحی از عظمت  
و زیبایی و تاریخ این بنا نوشته اند تا جایکه بنظر نگارنده رسید نوشته های  
آنان را درین جامه محض برای آگاهی هموطنان عزیز خویش  
می آوریم: ندر مایر وارنست دتیس آلمانی در کتابی که بنام افغانستان  
نوشته اند در خصوص مسجد جامع هرات مینویسند:

مسجد جامع هرات طوری وصف میشود که این مسجد مانند مساجد عظیم  
و بزرگ دیگر و همچنان مانند مساجد محترم غرب قسمت ساختمان  
آن دوره های مختلف تاریخی را در خود حل و مزج نموده است و برای  
نشان دادن معیار صحیح و قیمت صنعتی آن کشفیات و تدقیقات مفصل  
در خود همان نقطه میتوان نمود همین ندر مایر مقاله به عنوان افغانستان  
در مجله آلمانی موسوم به شرق جدید شماره ۴ و ۵ مورخه ۲۵ می ۱۹۱۷ م  
نوشته که ترجمه آن در شماره ۲۱ سال ۲ کاوه مندرج است درین مقاله  
در باره مسجد جامع هرات چنین نوشته است:

بهترین ابنیه هرات مسجد جامع آن است و بعضی از قطعات آن شبیه  
است به مسجد ابن طولون و سامره. در ایوان بزرگ این مسجد بعضی  
خطوط کوفی دیده میشود که هنوز خوب باقی مانده است این مسجد را  
چندین دفعه تجدید عمارات نموده و اصلاح کرده اند و بسبب مواظبت

امیر هنوز بحال خوبی باقی است دیوارهای رو بطرف حیاط مسجد معلوم میشود که بعدها به آجر قشنگ مزین کرده اند و اندکی بعد روی آن آجرها را بطرز ابنیه خراسان کاشی کاری نموده اند در طرف شمال مسجد ولی متصل بدان یک بنای مقدس دیگر ولی کوچکتر ساخته شده است که در مزین آن بطرف مشرق است ساختمان این بنا از حیث شکل و تزئین شبیه است بمسجد قدیم سرخس شرق در خراسان . «  
هم چنین رابرت بایرن دانشمند معروف در کتاب سومین کنگره بین المللی آرت و باستان شناسی در لینن گرا ۱۹۳۵ مقاله به عنوان «آبادات عصر تیموری افغانستان» نوشته و از مسجد جامع هرات چنین ذکر می نماید « در وسط شهر مسجدی است معروف به مسجد جامع که حیاط آن صد یارد طول و ۶۵ یارد عرض دارد به چار در و حیاط مسجد قطار کمان های رواق هادیده میشود قرار تذکار معین الدین اسفزاری مسجد جامع هرات را سلطان غیاث الدین محمد ابن سام غوری در سال ۵۹۷ هجری مطابق (۱۲۰۰ م) بنا نهاده و هنوز هم کتیبه کوفی درین مسجد است که سبک نگارش آن به عصر بانی مسجد موافقت میکند خرد سلطان غیاث الدین هم در مقبره که به مسجد جامع متصل و پیوست است دفن میباشد و مقبره او را بعدها ملوک کرت در قرن ۱۴ مجدداً تزئین کرده اند کتیبه بخط نسخ ازین عصر یادگار مانده و دارای عناوینی است که معمولاً ایلخانان مغل مانند اولجایتو و ابو سعید و امرای دودمان کرت استعمال میکردند سلاله کرت حتی در ایوان عمده مسجد جامع هم تزئیناتی از خود پیاد گار گذاشته اند از جمله اشخاص فاضل و دانشمندی که عامل شهرت

دربار سلطان حسین بایقر آمده بودند هیچ یکی مانند میر علی شیر نوائی معروف برجسته نبود این وزیر دانشمند که ۳۷۰ مسجد، مدرسه، کاروان سرا، شفاخانه، قرائت خانه پل و غیره برای منافع و رفاه عامه آباد کرد در ۹۰۴ هجری مطابق ۱۴۹۸ م تصمیم گرفت که مسجد جامع هرات را ترمیم کند مشارالیه اول از همه گنبدی را که عقب ایوان بزرگ مسجد جامع بوده و گنبد آن خطر تولید کرده بود ویران نموده و بهر دو طرف آن دو پایه مدینی برپا کرد و بهر کدام دو کمان دیگر دو طبقه ای افزود سپس با تعمیر منزل دیگر و عمران دیوارهای نازکتر روی دیوارهای قدیمی ارتفاع دیوارهای حیاط مسجد را زیاد نمود و بالاخره روی دیوارها و طاقها و ایوانها را کاشی کاری نمود (۱) همچنین مقاله بقلم یکی از فضلاء معروف هند به عنوان نظام الملک ثانی یا امیر علی شیر فانی در شماره ۳۶ مجله اورینتال کالج میگزین که از مهم ترین مجلات هند است نشر شده و نسبت به مسجد جامع هرات چنین نوشته: «در بین سایر تعمیرات هرات مسجد جامع آن دارای امتیاز مخصوص است امیر علی شیر این مسجد را در عهد خود سر از نو تعمیر نمود خوشبختانه کوایف تعمیر این مسجد در مکارم الاخلاق قدری به تفصیل ذکر شده و از آن اشتغال و دلچسپی میرا با امور تعمیر مسجد خوبتر میدانیم. مسجد جامع هرات را سلطان ابوالفتح غیاث الدین محمد ابن سام در اواخر سلطنت خود طرح تعمیر ریخت متأسفانه عمرش به انجام

۱» مجله آریانا سال ۱ شماره ۱۲۵ ترجمه باغلی کهزاد

این امر خیر و وفا نکرده مسجد هماه نظر نا تمام مانده بعد از سلطان غیاث الدین  
برادرش سلطان شهاب الدین تعمیر آن را طرف توجه قرار داد اما در  
عهد سلطان غیاث الدین محمود ابن شهاب الدین (۱) امر تعمیر به اختتام  
رسید حملات چنگیزی در ذیل تخریب سایر آثار خیریه باین مسجد هم  
صدمه کلی رساند ملک غیاث الدین کورت از منظر ویرانی آن متأثر شده  
بترمیم آن اقدام نمود بعد از ملک غیاث الدین کورت سلطان معز الدین  
کورت و امیر جلال الدین فیروز شاه هر یک بذوبه خود بترمیم آن مساعی  
جمیله بکار برده اند امیر علی شیر در ۹۰۳ هجری بتعمیر جدید آن آغاز نمود  
مهند سین مشهور و معماران معروف را بکار آن مقرر کرد و آنقدر در انجام  
کار آن شوق و شغف داشت که خود با عمله و کار یگران آن کار  
میگرد و در اجرت و حق الزحمه کار یگران آن قدر فیاضی و جوادی بکار  
برد که همه آنها از دل و جان ممنون و مسرور شده به همت تمام سعی  
وافر سرگرم کار میبودند چنانچه در اثر همین سعی و کوشش کار چهار  
ساله در مدت شش ماه بانجام رسید.

بعد از فراغ تعمیر نقاشی ها و کاشی تراش ها را بنقش و نگار مسجد  
گماشت طاق ها و رواق ها را بنقوش اسلامی و خطائی مزین و دیوار  
های مسجد را با شاخه های گل و برگ های رنگارنگ منقش  
ساختند برای ساختن منبر از اطراف دور دست سنگ مرمر خواست و  
استاد شمس الدین سنگ تراش را بساختن آن مکلف نمود و قتی که منبر  
تمام شد شعرا ماده تاریخ آنرا سرودند کار مسجد در سنه ۹۰۵ بکلی

(۱) مولف روضه الصفا و حبیب السیر ابن غیاث الدین ابن محمد ابن سام مینویسند.



تکمیل یافت میر کار یگران را با انعام و بخشش های شایانی نوازش نمود و بتقریب اتمام آن محافل سرور و دعوت های متعدد منعقد نموده مردم از خواص و عوام درین دعوت هاشرکت داشتند میر در تعمیر این مسجد آن قدر شوق و شغف قلبی داشت که در طرح و نقشه و امور عمران آن با ماهرین فن و متخصصین بزرگت آن وقت بمشوره و مذاکره شامل شده و از تدبیر و افکار آنان استفاده نموده و باین وسیله تزیین و زیبائی مسجد را بسرحد امکان رسانید. تحریر کتیبه و تزیینات مسجد را به نقاش مشهور و خطاط معروف آن عهد یعنی خواجه میرک مفوض نمود اما چنانکه عادت هر صاحب کمالی است خواجه میرک در کار بطالت نشان میداد میر هر چند کوشش نمود میرک از سستی و تأنی که در کار داشت باز نیامده از یکطرف کار مسجد در معرض تاخیر افتاد و از طرفی میرک در قریه (شادروان) نزدیک هرات گلگشت مینمود میر اگر از تشدد کار میگرفت بخوبی میتوانست ولی در اصلاح میرک تدبیر متین و مرزونی سنجید. خواجه جلال الدین محمد کاردار مالیه را فرمود که تا بنام خواجه میرک رقعۀ بدین مضمون نویسد:

خواجه میرک را واضح خاطر باد!

مبلغ پنج هزار دینار طلب حکومت که بر ذمه شما باقیست بزودی داخل خزانه سرکاری نمائید زیرا که درین وقت حکومت سخت بیول ضرورت دارد. دو نفر محصل این رقعۀ را گرفته نزد خواجه میرک در شادروان رفتند و از وی زرمذ کور را طلب کردند خواجه میرک ازین تقاضای غیر متوقع سخت مضطرب گردیده سر راست بخدمت مہر علی شیر رسید و عرض

نمود که برای خدا بمن امدادی بفرمائید تا از عتاب شاهی و ارهم میر تبسم کرده گفت با امداد شما آماده ام بشرطیکه کتیبه و نقاشی مسجد را در مدت ۹۰ روز انجام دهید. پس بدین وسیله میرك کارهای مسجد جامع هرات را بزودی انجام نمود. (۱)

فرامین و احکام شاهانی که روی سنگ های مرمر منقور و تا هنوز باقی است :

بر رواق بعضی ایوان های مسجد فرامین و احکامی از شاهانی سابق مانند ابوسعید کورگان و سلطان حسین بایقر اوغیره نسبت بر رفع تکالیف دیوانی و موقوفات مسجد جامع دیده میشود که روی سنگ های مرمر منقور و تا هنوز بکمال وضاحت خوانده میشود در اینجا بطور نمونه دوسه فرمان و احکام را که نماینده سبک و روش همان وقت است نقل می نمائیم. فرمان و سلطان ابوسعید کورگان که از ۸۳۶ - ۸۷۳ سلطنت نموده :

الله ولی التوفیق. چون بمیا من همم عا لیه اهل الله و توجه نفوس زاکیه اصحاب کشف و انتباه توفیق اشاعه خیرات و اذاعه مبرات رفیق دولت روز افزون و قرین روزگار هما یون حضرت خاقان صاحب قران رافع الویه العدل و الاحسان قاعم البنیة الظلم و العدم و ان الموء ید بتائید الملك الدیان غیاث الخلافت و السلطنة و الدین غوث الاسلام و المسلمین سلطان ابوسعید کورگانی خلد الله تعالی سبجانه فی بسیط الارض ملکه

[۱] شماره ۱۲ مجله کابل سال سوم ص ۸۱-۸۲ ترجمه نگارنده .

وسلطانه گشته همگی همت عالی نهت بر ترفیة عباد و تعمیر بلاد و دفع مواد  
فساد و رفع رسوم مذموم از باب ظلم و عناد مصروف و معطوف فرموده تصدیقاً  
لهذا الحال چون به مسامع جلال رسید که بواسطه مطالبت نام بردار در  
بلاد و بیار انواع فزع و اضطراب در هر وقت و زمان بعامه سکان راه می یابد  
در منتصف جمادی الاخر سنه ست و ستین و ثمان ماه امر مطاع لازاله  
مشبعاً فی اقطاع صدور یافت که من بعد الیوم بعلت نام بردار قشونی از  
دار السلطنه هرات و بلوکات مطالبت ننمایند و بدین جهت  
اصلاً به اهالی و بساکنان و جماعات و محترفات و شرکاء و مزارعان  
تعرض نرسانند تا بفراغ بال و فارغ حال در ظل معدلت و عاظفت و کنف  
مرحمت و رأفت روزگار گذرانند امید است که تا انقراض دوران  
فرزندان کامگار دولت یار و سایر سلاطین نام دار توفیق تنفیذ آن یافته  
و حکامیکه تغییر این خیر عام نماید در معرض وبال و مستحق عتاب  
حضرت ذوالجلال باشد من بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدد لونه  
و علیه لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین و فرمان واجب الاذعان  
صادر شد.

فرمان سلطان حسین میرزا که از ۸۷۵ الی ۸۹۹ سلطنت نمود در  
ایوان قبله مسجد جامع بروی سنگی کنده شده :

الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات و بتوفیقه یفتح ابواب الخیرات.  
چون همت سلطان زمان متمثل ان الله یأمر بالعدل و الاحسان معزالدنیا  
والدین ابوالغازی سلطان حسین بهادرخان خلد ملکه بر ترویج بقاع  
مبرات موقوفست و صورت تکثیر مداخل سعادت بر لوح جامع ضمیرانور

او کالفتش فی الحجر ثابت است در اول ربیع الاول هشت صد و هفتاد هشت  
فرمان عالی فرمود که موقوفات مسجد جامع دار السلطنه هرات و جنید  
عالی سلاطین ماضی و خاتمه جدید و جسر نهر مالان از کل تکالیف دیوانی  
مسلم و مرفوع القلم دانسته از رقیبات و مستغلات آن مال و اخراجات  
لشکر و شنوری و سونجی و ده و یازده و ضابطه و حق السعی و داروغه گانه  
و غیر آن نطلبند و حاصل آنرا با مارت و زینت و ارباب و وظائف  
و مستحقات مقصود اند هر آینه فرزندان کامگار و سلاطین اسلام شعار  
توفیق تنفید این خبر یافته هم علمه ایشان رخصت تغییر آن ندهند قوله  
تعالی (فمن بداه بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونه) (۱) .

این بود شرحی ازین مسجد عظیم الشان که بقول لوسترانج مستشرق معروف  
نظیر و مانند آن درزیبائی و عظمت کمتر دیده میشود از منابع داخلی  
و خارجی بدست آورده درین جانوشتم متأسفانه که درین اواخر این  
مسجد بزرگت با همه عظمت و زیبائی که دارد بر اثر عوامل خارجی  
و فشار زیاد گنبدها گرفتار خرابی و پیش بر آمدگی های سخت گردیده  
است. خوشبختانه در روزگار ما بناغلی عبداللہ خان و کیل نائب الحکومه  
هرات بنا بر حس ترقی خواهی و عرفان دوستی که دارد برای ترمیم  
و آبادی این بنای معظم باجدیت هر چه تمامتر اقدامات شایانی نموده  
از سه سال با نظر فکار تعمیر و ترمیم قسمت های خارجی و داخلی مسجد

[۱] برای اطلاع از تولیت مسجد و کتا بخانه و کتب و تبرکاتی که بوسیله فخری پاشای  
مرحوم یادگار داده شده بود رجوع کنید به جلد اول آثار هرات تالیف فاضل  
دانشمند آقای خلیل الله خلیلی .

در جریان و دروازه بزرگ آن سراز نو تعمیر و آباد شده و کاشی کاری  
آن که بکلی از بین رفته بود با همان نقش و رنگت و اسلوب بتوسط  
حاجی اسماعیل خان بنا که از احفاد بنائی هروی است در خود هرات  
فراهم و در شرف انجام است امید است که تعمیرات اساسی آن نیز  
بتوجه حکومت غم خوار و معارف دوست و مراقبت و جدیت و کسب  
نائب الحکومه که برای عمرانات و آبادی و شئون هرات عشق مفرط و شور  
فراوان دارد روی کار آمده و باین وسیله عظمت و شکوه دیرین این مسجد  
جامع تاریخی را تجدید و روان تازه برین بنای قدسی که از عالی ترین  
بناهای مذهبی بشمار میرود ببخشد.

« گویا اعتمادی »

این مقاله در ثور ۱۳۲۵ نوشته شده  
و در شماره ۴ سال ۴ مجله آریانا درج است

## گنبد سبز

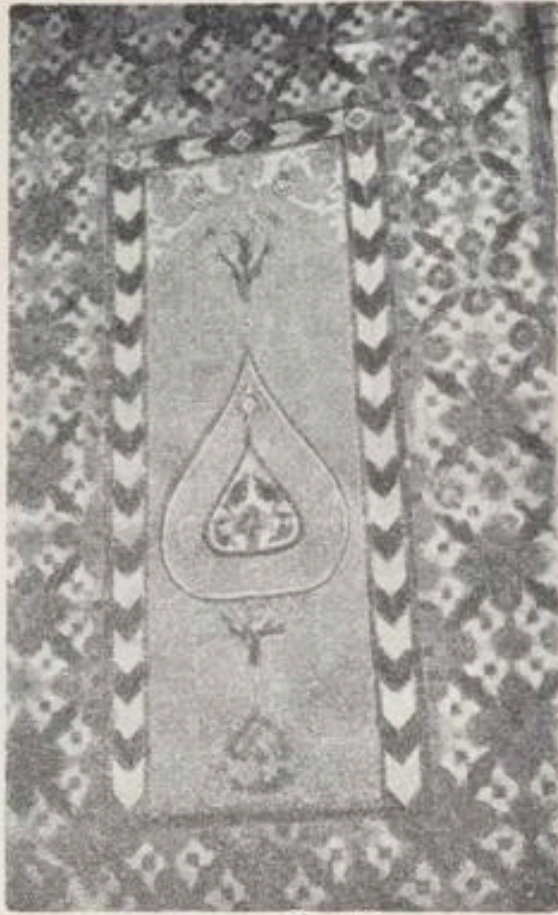
یا مقبره سلاطین تیموری هرات

از بناهای گوهرشاد آغا ملکه هرات که بانوی با فضل و دانش بوده  
و علما و فضلا و شعرا و هنروران را از حمایت و تربیه می نموده و مدنیت  
و عمران آن عصر هرات مدیون مساعی جمیله و تشویق او بوده مدرسه  
و عمارتی است که در وقت حیات او بنام خودش مدرسه گوهرشاد  
آغا یا مدرسه مهد علیا و بعد بنام بیت المغفره و اکنون که مخروبه از آن  
باقیست بنام گنبد سبز در بین مردم هرات مشهور است این مدرسه و بنای  
محتشم یکی از مجلل ترین و باشکوه ترین بناهای هرات در آن عصر  
محسوب می شده و بهترین نماینده ذوق و صنعت هنروران دوره تیموری  
چهار لحاظ بنائی کاشی کاری و چه از حیث نقاشی و کتیبه نویسی  
و مینا کاری بوده است چنانچه عبدالرزاق سمرقندی مورخ دربار شاهرخ  
در مطلع السعدین که وقایع چشم دید سلطنت شاهرخ و اولاد او را نوشته

است درخصوص این بنای مجلل مینویسد:

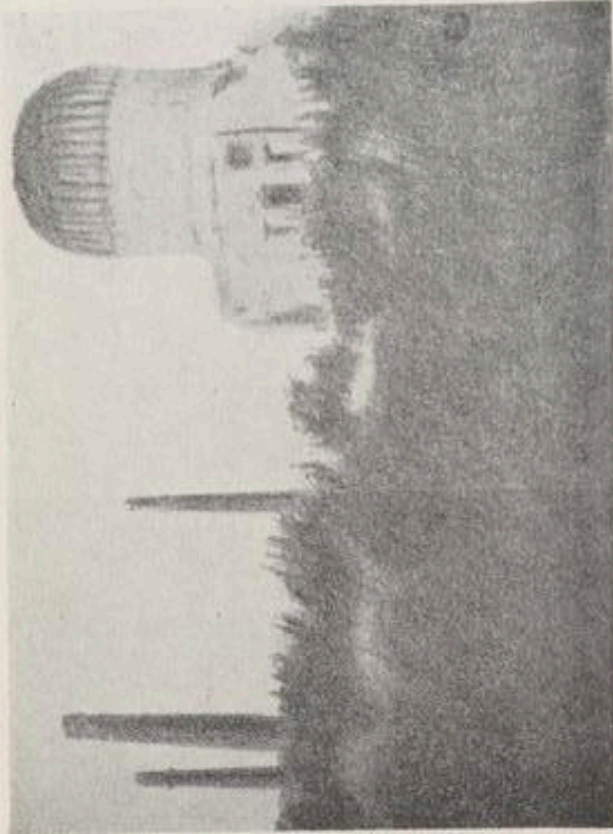
«درین سال مدرسه عالی و عمارت متعالی که مهدعلیاگوهر شادآغا  
در شمال شهر در سرپل انجیل ساخته بود تمام شد و آن عمارت است که  
در معموره عالم نظیر ندارد»

یک لوحه سنگ مرمر قشنگی که کتیبه این بنا بوده و تاریخ بنای مدرسه  
بخط ثلث جلی بقلم خطاط معروف آن عصر جعفر جلال هروی بر آن  
نوشته شده و اکنون در موزیم هرات موجود است نشان می دهد که آغاز  
تعمیر این مدرسه در ۸۲۰ هجری و تاریخ اتمامش در ۸۴۱ بوده یعنی  
در مدت ۲۱ سال با نجام رسیده است این مدرسه را گوهر شادآغا ملکه  
هرات که دختر غیاث الدین ترخان و زوجه محبوب شاه رخ و مادر  
میرزا الغ بیگ و بایسنقر و محمدجوکی بوده بنا بر علم دوستی و دانش  
پروری که داشته در زمان سلطنت شوهر خود شاه رخ میرزا برای  
دانشمندان و طلاب که از هر طرف برای تحصیل درین  
مهد علم و دانش می آمدند از مال خالص خود بنا نمود و مدرسین عمده  
و استادان هرات را برای تدریس درین مدرسه مانند شیخ  
شهاب الدین بسطامی و مولانای اعظم شمس الدین محمد بن اوحید  
معین نمود و کتابخانه بسیار بزرگی مملو از کتب متنوعه درین مدرسه  
الحاق نمود و همچنین شفاخانه و شبستان برای طلاب و دارالضیافه  
برای واردین و مسافرین و دارالمساکین برای غریباضمیمه این مدرسه  
نمود از یک نسخه خطی که در سنه ۸۶۱ یعنی سال وفات گوهر شادبانی  
این مدرسه نوشته شده و حاوی وقفنامه هاست از وقف نامه مشارالیه



صنعت کاشی کاری جدید هرات





مسجد

که در این نسخه است معلوم می شود که زمین های مزروعی و باغ های  
 مثمر و آسیاب ها و دکان ها در هرات و تربت جام و فوشنج (زنده جان  
 حایه) که از مال و ملک خالص او بوده و وقف این بناها و مدرسه بوده  
 است مهندس و معمار این بسنا قوام الدین شیرازی است که در اول  
 شعبان ۸۴۲ هجری وفات نموده (۱)

بر علاوه این استاد، معماران و حجاران و کاشی کاران و نقاشان  
 و خط طان ماهر را از هر جا طلبیده و با تشویق و اعطای انعامات وافر  
 و صرف مبالغ بسیار از مال خالص خود این بنای مجلل را بکمال  
 زیبایی بانجام رسانده است و اوق های بلند و دیوارهای ضخیم و محیط  
 و منارهای زیبا و گلدسته ها و گنبد های این مدرسه عموماً بکاشی های  
 رنگارنگ و مینا و خاتم منقش بوده و به نقش و خط نقاشان و خطاطان  
 ظریف کار آن عهد مزین بوده و اکثر خطوط و نقوش و کتیبه های این  
 مدرسه بخط خطاط نام دار و نقاش ماهر هرات جعفر جلال و میرک هروی  
 بوده است و در جوار این مدرسه گنبد بسیار زیبا و بسیار شکوهمندی  
 مدفن خود و شاه رخ شوهر عزیز خویش و پسران خود ساخته بود که

---

(۱) استاد قوام الدین افسر مهندسان و معماران بود و عمارات ملکه گوهر شاد در  
 هرات همه از کارهای او است حکایت مشهور است و بر زبان ها جاری که وقتی  
 سلطان شاه رخ پسر بی از کارهای مهندسی از وی رنجید مدت یک سال او را در دربار  
 خود راه نداد چون استاد قوام الدین در علم نجوم نیز ماهر بود تقویمی استخراج  
 کرد و با اجازه پادشاه بحضورش تقدیم نمود پادشاه تقسیم نمود این بیت را برای او خواند:  
 تو کار زمین و آسمان ساختی که بر آسمان نیز برداختی  
 قوام الدین در اول شعبان سنه ۸۴۲ و وفات نمود (ص ۱۴۸ جز ۳ ج ۳ حبیب السیر طبع بمبئی)

اکنون قسمتی ازان گنبد باقی و بنام گنبد سبز مشهور است این گنبد مدفن يك ملکه و هشت نفر از سلاطین شهزادگان تیموری است بشرح ذیل:

۱- بایسنغر بن شاهرخ که در سنه ۸۳۶ وفات نمود و تابوت او را از باغ سفید برداشته تا مد رسه گوهرشاد آغا که مدفن او آنجا مقرر بود آورده دفن نمودند (۱)

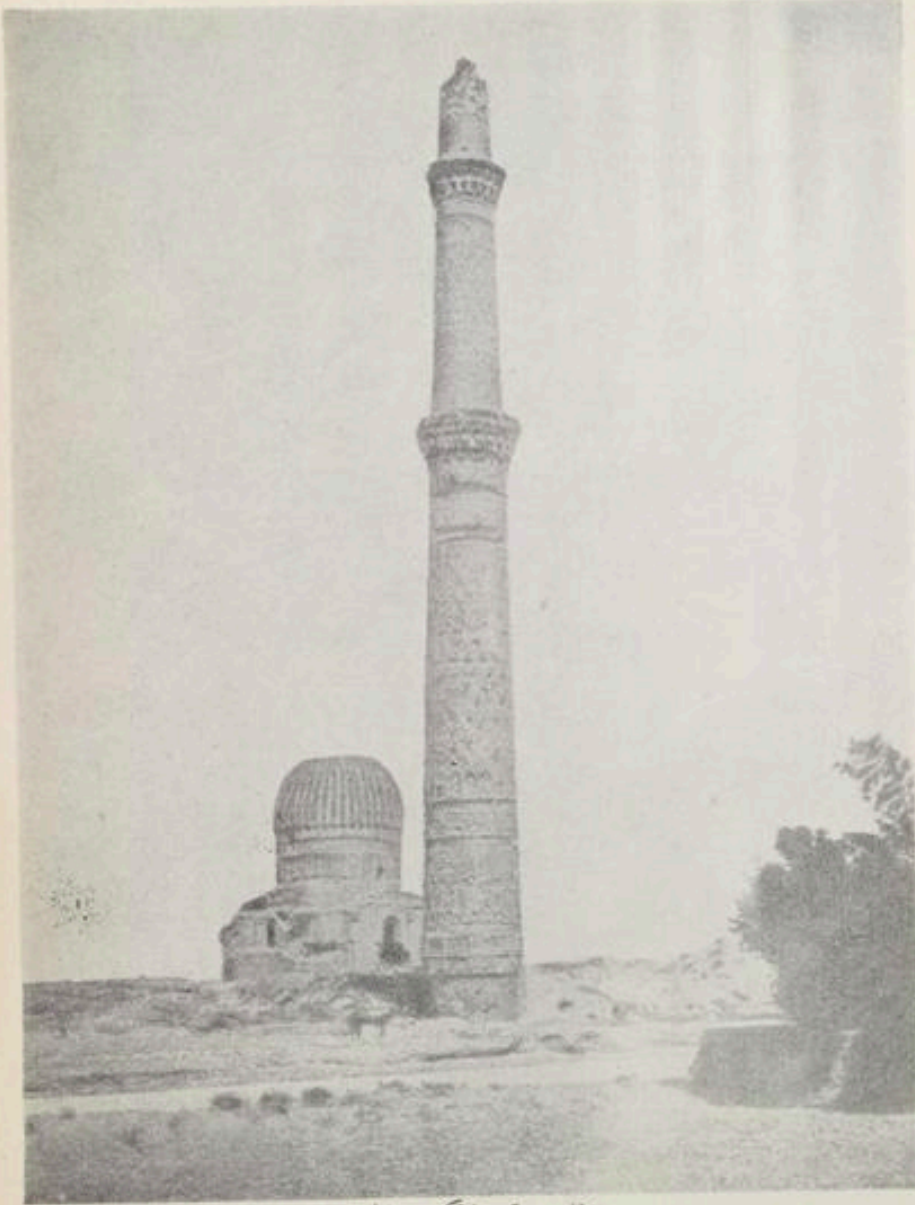
۲- سلطان احمد بن عبداللطیف بن الغ بیک بن شاهرخ که در ۸۴۸ هجری درین گنبد دفن شده .

۳- گوهرشاد آغا که در ۸۶۱ کشته شد و در همین گنبد دفن گردید چنانچه عبدالرزاق سمرقندی مولف مطلع السعدین در وقایع ۷۶۲ يك سال بعد از مرگ گوهرشاد نوشته است «میرزا علاء الدوله هفتم جمادی الاخر روز جمعه بعد از نماز از طرف قریه ساق سلیمان ظاهر شد . . . . . و در کوچه خیابان خیرامان خرامان در آمده بعد رسه و مقبره مهد علیا گوهرشاد آغا فرو آمد و مراسم زیارت بجای آورده عازم باغ زاغان شد» خود میر در خلاصه الاخبار و با برد کتاب خاطرات خود همین گنبد را مدفن ملکه گوهرشاد دانسته اند.

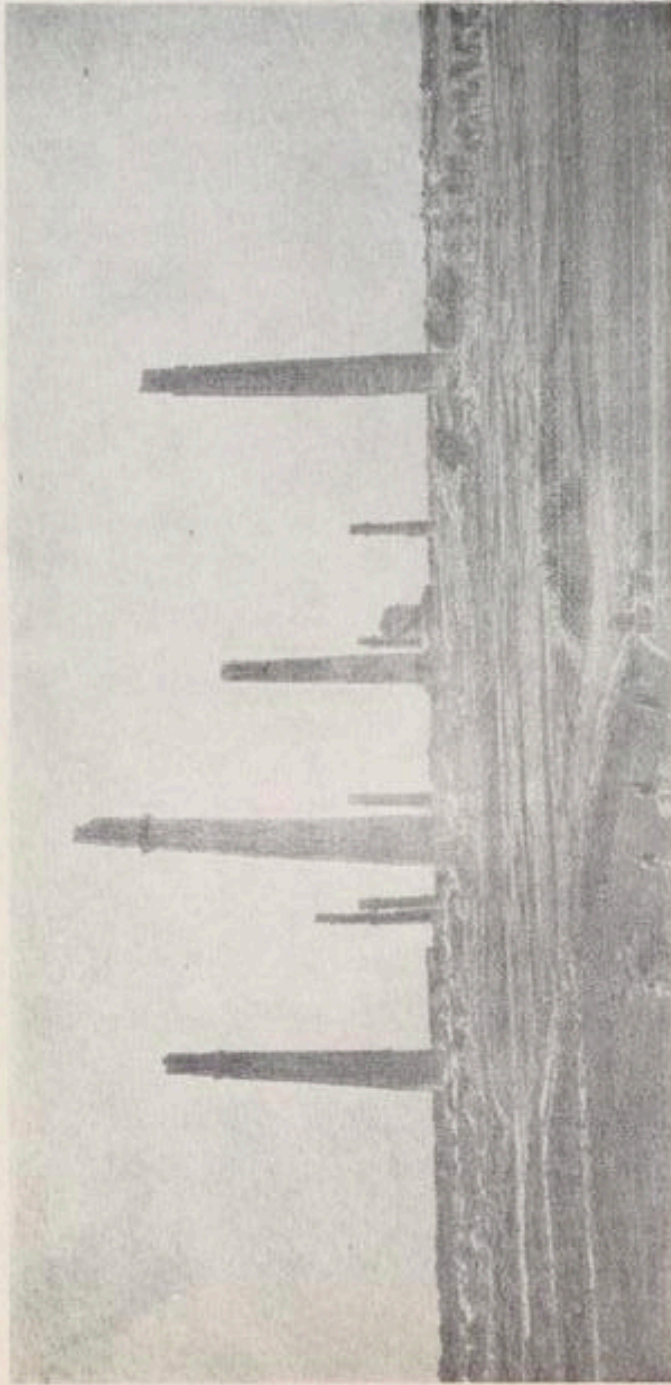
۴- علاء الدوله بن بایسنغر که در ۸۶۳ هجری در همین گنبد دفن شد .

۵- ابراهیم سلطان بن علاء الدوله بن میرزا بایسنغر که در سنه ۸۶۳ در راه مشهد وفات نمود و بقول عبدالرزاق سمرقندی در مطلع: «نعش او را به مهران رسانیدند و در ششم شوال ۸۶۳ در مدرسه مهد علیا گوهرشاد آغا در گنبد که مدفن اجدا و میرزا بایسنغر بود مدفون شد» .

(۱) مطلع السعدین ج ۲ ص ۶۵۹ طبع لاهور .



منار و مقبره گوهرشاد



دورنمای مسجد مصلا در خجیابان

۶- شاهرخ سلطان بن ابی سعید بن میران شاه که در سنه ۸۶۳ در هرات  
تولد و در ۸۹۸ در همین گنبد دفن گردید.

۷- میرزا سلطان محمد بن بایسنغر که بقول عبدالرزاق  
در مطلع: «در شجاعت و سخاوت نادره ایام بود  
در ۸۵۵ بمقتل آمد و مدت عمر او ۳۴ سال بود و زمان  
دولت او ۱۰ سال ۵ سال بطریق نیابت در زمان شاهرخ و پنج سال با استقلال  
و نعلش او را در دار السلطنه هرات بمدرسه مهملیا گوهر شاد آغا در گنبد  
خوابگاه پلر او مرزا بایسنغر دفن کردند.»

۸- میرزا محمد جوگی بن شاهرخ در ۸۶۸ هجری در همین گنبد  
دفن شد این مدرسه و مقبره در زمان سلطان حسین میرزا (۱۴۶۸-۱۵۰۵ م)  
نیز آباد و بارونق و شکوه بوده چنانچه خوانند میر در خلاصه الاخبار خود که  
در ۹۰۶ هجری تصنیف نموده نسبت باین مدرسه نوشته است «به حلیه تکلف  
و زیور و زینت و وسعت و رفعت مزین و محلی و بو فور فسحت و کثرت  
مقانت از اکثر بقاع این بلده جنت صفات ممتاز و مستثنی و درین اوقات  
چهار نفر از علمای پسندیده صفات در آن بقعه فائض البرکات بدرس و  
افاده قیام و اقدام مینمایند و از موقوفاتش به حظی و افر محظوظند  
و بهره ور میگرددند»

همچنین بابر در ۹۰۹ هجری مدرسه و مقبره را بحال رونق و شکوه  
خاص دیده و در کتاب خاطرات خود او آن یاد کرده است، گریستی ویلسن  
در تاریخ صنایع ایران در باره این گنبد نوشته است: «مقبره گوهر شاد  
هنوز در هرات باقی است و آن بنا نیست مربع شکل که گنبد سه مرتبه دارد

اولی برای تزئین فضائی زیر گنبد بکار رفته، گنبد وسطی برای نگاهداری و گنبد خارجی که بدنه‌های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است. این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده و هفت مناره بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد دو تای آن بمصلای معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته بوده یکی به بنائیکه وصل بمقبره بوده و چهار مناره دیگر بمدرسه سلطان حسین بایقر که بعداً ساخته شده تعلق دارد، این مناره‌های بزرگ که با تکه‌های بزرگ سنگ مرمر که کتیبه روی آنها نقش شده و کاشیکاری که طرحهای مکرر دارد زینت یافته نشان میدهد که معماری و تزئین عصر تیموری تا به چه درجهز بیانی و عظمت رسیده بود این گنبد سه پوشش دارد پوشش اول آن راه داشته و پوشش دوم آن بدون راه بوده و از سوراخ سقف دوم گنبد سوم بنظر می آید قسمت زیادی از این بنا و مدرسه سلطان حسین میرزا با مناره‌های آن تا شروع سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ آباد و معمور بوده اما درین روزگار جز هفت مناره که آن هم رو بخرابی گذاشته و همین گنبد که مشهور به گنبد سبز است نشانی از مصلی و مدرسه اصالی باقی نمانده و این گنبد که در جوار مدرسه مذکور بنا یافته بود بحال خرابی و فرسودگی تا هنوز پابرجاست (۱) و در کتیبه این گنبد اشعاری در مرثیه سلطان بایسنغر بخط بسیار زیبا نگاشته شده بود که از نهایت فرسودگی و خرابی تنها این دو بیت آن خوانده میشود:

(۱) در این اواخر برای تسطیح خیابان ها و نهال شانی پارک و ترمیم گنبد و بنای

یک قهوه خانه در آنجا از طرف شای غلی ملکیار نایب الحکومه توجه شایانی بکار رفته است.

بسکه رفت از چشم مردم خون دل زین واقعه  
خامه را موج سرشک خویش در طوفان نمازند  
غوطه زد در ذیل مصر از مصر گوئی شد عزیز  
چین گرفت ابروی چین در چین مگر خاکان نمازند  
سرور گویا اعتمادی





